

پیام سندیکا



شماره ۳۴

سال چهارم / آذر ۱۳۹۳

نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

ما هشدار می دهیم!

اگر اصلاح قانون کار را به چماقی بر علیه کارگران تبدیل کنید،
اگر اندوخته ما در تامین اجتماعی که توسط مرتضوی به یغما
رفته و بدهی ۹۵ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی
را نپردازید و بخواهید بیمه و بازنشستگی را هم از بین ببرید،
اگر بخواهید با تصویب حقوق ۱۷ درصدی و گران کردن کالاها،
به خانواده های ما گرسنگی بدهید،
با اعتصابات کارگری فراگیر به آن پاسخ خواهیم داد.



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

در این شماره می خوانید :
سرپیام

اطلاعیه راه اندازی سایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

5 آذر روز جهانی لغو خشونت علیه زنان پُر ظنین باد!

مراجعه و تجمع رانندگان شرکت واحد در مقابل شورای شهروشهرداری تهران

همچنان در راه دفاع از منافع کارگران ایستاده ایم!

نامه دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای به وزیر نفت

اخبار کارگری

اخراج ۱۱۰۹ کارگر همزمان با تلاش دولت برای تغییر قانون کار

سیزدهمین کنگره بین‌المللی کارگران حمل و نقل

گفتگو با رییس سندیکای زنان کارگر نساجی های بنگلادش

کارگران و زحمتکشان و سرمایه داران از منظر دولت

نابودی قانون کار و تامین اجتماعی ، الویت سرمایه داری

تغییر شرایط بیمه کارگران ساختمانی با قانون اساسی مغایر است

همه راه ها به "رم" ختم می شود!

آموزگاری که رسالت آموزگاریش را انجام داد !

اعتراض به برنامه های اقتصادی و اجتماعی ضد کارگری

برگی از قانون

منوچهر مصلح، مبارز استوار و فداکار جنبش کارگری سندیکایی

پیام سندیکا

ماهنامه خبری-تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای



<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

sfelezkar1961@gmail.com

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmil.com

پیام سندیکا
شماره ۲۴
سال چهارم / آذر ۱۳۹۲
سره به سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران
چاپی و الکترونیکی
حامیان اتحادیه های کارگری ایران
دورنمای تشکل کارگران

ما هشدار می دهیم!
اگر اصلاح قانون کار را به چماقی بر علیه کارگران تبدیل کنید،
اگر اندوخته ما در تامین اجتماعی که توسط مرتضوی به یغما
رفته و بدهی ۹۵ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی
را بپردازید و بخواهید بیمه و بازنشستی را هم از بین ببرید،
اگر بخواهید با تصویب حقوق ۱۷ درصدی و گران کردن کالاها،
به خانواده های ما گرسنگی بدهید،
با اعتصابات کارگری فراگیر به آن پاسخ خواهیم داد.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای
شماره ۲۴

سرپیام

بحث روز کارگران این روزها، تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان و دستبرد به تامین اجتماعی و حذف بیمه کارگران ساختمانی است. از زمان اجرای تعدیل اقتصادی در دولت رفسنجانی و باز کردن درهای اقتصاد به روی سرمایه داری جهانی، حمله به دستاوردهای طبقه کارگر آغاز شد. این حمله با خصوصی سازی و ناکارآمدی دستگاه دولتی و مدیریت بی لیاقت دولتی توجیه شد. این روزها با ثمربخشی مذاکرات اتمی و اجرای دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توسط دولت و آزاد سازی قیمت‌ها از طریق اجرای قانون هدمندی یارانه‌ها (حذف یارانه‌ها) و گرانی بیشتر و مصوب کردن دستمزدی 4 برابر زیر خط فقر و 11 درصد کمتر از تورم از قبل اجرایی شد. حال با نابودی قانون کار و دستبرد به اندوخته های کارگران در سازمان تامین اجتماعی با هدف برچیده شدن هرگونه بیمه و بازنشستگی، تکمیل خواهد شد. موضوع اصلاح قانون کار و فرمول تعیین دستمزد براساس بهره وری و دادن حق اخراج کارگران و تعیین مبلغ دستمزد به کارفرمایان در به اصطلاح قانون کار جدید، برای تکمیل کردن بی قانونی و زیرپا گذاشتن اصول 3، 19، 20، 26، 29، 43، 44 قانون اساسی که به نفع کارگران است، می باشد.

چرا هم در دولت آقای احمدی نژاد و آقای روحانی اصلاح قانون کار این قدر مورد توجه است؟ آیا با توافقات اتمی با 1+5 جز این است که سرمایه داران خارجی به ایران خواهند آمد و باید دولت ما بازار کار ارزان و بی قانونی را برای این سرمایه داران تدارک ببینند؟ آیا حذف اصل 29 قانون اساسی و خصوصی کردن بیمه برای کارگران جز این است که سرمایه داری خارجی و ایرانی دیگر ملزم به بیمه نمودن کارگران خود نباشند؟ چرا باید بیمه کارگران ساختمانی در مجلس حذف شود؟ آیا سرمایه داری خارجی در ساختمان سازی هم فعال خواهد بود؟ در این بین آنچه بسیار مورد توجه است آتش بیاری وزیرکار ربیعی و تشکل مجمع عالی نمایندگان کارگری، تشکلی که رشوه گیری هایشان از مرتضوی هنوز هم زبازند کارگران است به چشم می خورد.

مجمع عالی نمایندگان کارگری واقعا طرفدار چه کسانی است، کارفرمایان یا کارگران؟ علی‌ریبیعی که خود عضو هیات مدیره خانه کارگر است چطور به اساسنامه تشکل خود پشت می‌کند؟ آیا او صدای اعتراض نمایندگان خانه کارگر در مخالفت با اصلاح کار را نمی‌شنود؟ تلاش برای اجرایی کردن طرح ضدکارگری "استاد- شاگردی"، تلاش برای لغو دریافت حق بیمه از بن نقدی کارگران، واگذاری وظایف "هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف وزارت کار" در مواقع اعتصاب به قوه قضائیه، افزایش ترفندآمیز سنوات ۹۳ کارگران به جای افزایش منصفانه مزد ۹۴، چه معنایی دارد؟ چرا باید خانواده های کارگری که 95 درصد جامعه را تشکیل می‌دهند با این حيله ها نابود شوند و 5 درصد سرمایه دار، آباد؟ دولت و وزیرکار چه نقشه ای برای خالی کردن سفره های خانواده های زحمتکشان دارند؟

یکی از دلایل اصلاح قانون کار، هزینه کارگری در صنایع عنوان شده و بحث تعیین دستمزد هم به آن ربط داده اند. ما می‌گوییم دستمزد کارگران شاید 2 یا 3 درصد هزینه یک کارخانه یا واحد تولیدی باشد اما بالا بودن هزینه کارخانه ها، به دلیل وجود دلالاتی است که مواد خام به این کارخانه ها می‌فروشند. ما به کارفرمایان و دولت می‌گوییم مواد خام کارخانه ها را با حذف واسطه ها به کارخانه برسانید تا سودتان بیشتر شود.

آقای روحانی (۲۲ مهرماه) از "پیروزی بزرگ اقتصادی" سخن به میان آورد و با اشاره به "طرح‌هایی که در بخش صنعت تا پایان امسال راه‌اندازی" خواهد شد، ایجاد ۹۷ هزار شغل جدید را به مردم وعده داد و افزود: "کشور ما به سمت صنعتی شدن در حال حرکت است" آقای روحانی مثل اینکه اخبار را نمی‌خواند و یا به ایشان نمی‌رسانند. فقط در یک ماه بیش از 1200 کارگر اخراج و بیش از صد واحد تولیدی بسته شده اند. اگر ما به سمت صنعتی شدن می‌رویم چرا در گزارش ویژه وزارتکار از وضعیت امنیت شغلی، آمده است: «وضعیت بیش از ۹۳ درصد قراردادهای کار کشور به موقت یکماهه، ۳ ماهه و بعضاً یکساله تغییر یافته است.» دولت و کارفرمایان از چه می‌ترسند

که هر روز مدت قرار دادها را کمتر و کمتر می کنند؟ اگر قرار است کشور صنعتی بشود چرا نباید قانون اساسی و اصول 98 و 87 سازمان جهانی کار رعایت شود؟ آیا موضوع چیز دیگری است که به کارگران نمی گویند؟

آنچه به کارگران و سندیکا‌های کارگری مربوط است حفاظت از دستمزدهای عادلانه طبق قانون کار و وادار کردن دولت به رعایت قوانین کار و کارگری است. از یکسال پیش و با آمدن دولت جدید حمله و دستگیری و به زندان بردن فعالان کارگری افزایش یافته است. دولت حتا اختلافات کارگری را هم به وزارت اطلاعات حواله داده و فعالان کارگری را به شلاق و زندان محکوم کرده است. برخورد شدید با کارگران برای چیست؟ مگر ما به جز رعایت قوانین و زندگی انسانی برای خانواده هایمان چیز دیگری می خواهیم؟

ما هشدار می دهیم !

اگر اصلاح قانون کار را به چماقی بر علیه کارگران تبدیل کنید،

اگر اندوخته ما در تامین اجتماعی که توسط مرتضوی به یغما رفته و بدهی 95 هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی را نپردازید و بخواهید بیمه و بازنشستگی را هم از بین ببرید،

اگر بخواهید با تصویب حقوق 17 درصدی و گران کردن کالاها، به خانواده های ما گرسنگی بدهید،

با اعتصابات کارگری فراگیر به آن پاسخ خواهیم داد.

دوستان کارگر ! خواهران و برادران زحمتکش

اگر در مقابل این حرکت های ضد کارگری سکوت کنیم ، آینده فرزندان و خانواده هایمان را به خطر انداخته ایم. کارفرمایان قصد نابودی دستاوردهای کارگری از قبیل بیمه و بازنشستگی و 8 ساعت کار و دستمزدی انسانی را دارند. هوشیار باشیم و در هر واحد تولیدی با ارسال طومار به مجلس و وزارت کار، به مخالفت با این بی قانونی ها برخیزیم.

تحریریه پیام سندیکا

اطلاعیه راه اندازی سایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

خوشحالمیم به اطلاع کارگران ، سندیکاهای کارگری و دوستداران جنبش کارگری ایران و جهان ، برسانیم که سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به دو زبان فارسی و انگلیسی راه اندازی شد . همچنان که تاکنون فیسبوک و وبلاگ مان در اختیار سندیکاهای کارگری بود که سایت یا وبلاگ نداشتند ، این سایت هم در اختیار همه سندیکاهای کارگری است. ما در این سایت مطالب و اطلاعیه های سندیکاهای کارگری را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و در معرض دید سندیکاهای برادر در بیرون از مرزها قرار خواهیم داد. این سایت محصول زحمات کارگرانی است که دل در گرو اتحاد جنبش کارگری ایران دارند و متعلق به همه سندیکاهای کارگری ایران است.

برای هرچه بهتر و پر بار شدن سایت با انتقادات و پیشنهادات سازنده خود ما را یاری کنید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک 1339/9/3

آدرس سایت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

<http://sfelezkar.com>

آدرس وبلاگ سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

<http://felezkar.com>

آدرس فیسبوک سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

<https://www.facebook.com/Metalworkers>



5 آذر روز جهانی لغو خشونت علیه زنان پُر طنین باد!

فعالیت برای رفع خشونت علیه زنان تنها در یک روز آن هم 5 آذر هر سال کافی است؟ و نباید در تمام سال از آن خبری باشد؟ در کشور ما و در محیط های کاری که زنان فعالیت می کنند، چه کارخانه ها و چه بیمارستان ها و چه کارگاههای کوچک موارد زیادی از خشونت دیده می شود. در خط تولید کارخانه سوپا که لوازم پزشکی تولید می کند سرپرست ها از لگد زدن و فحاشی و حتا مو کشیدن زنان کارگر ابایی ندارند. در بیمارستان ها برخورد های خشنی با پرستاران و بهیارها، چه از طرف همکارانشان و چه از سمت بستگان بیمار دیده می شود. در محیط های هنری مانند سینما و تلویزیون آزارهای زیادی به زنان درگیر اینگونه کارها رُخ می دهد. آیا فقط این موارد خشونت علیه زنان است؟ آیا اگر ریحانه جباری برای دفاع از شرفش، پزشک متجاوز را بکشد و سپس اعدام شود، خشونتی صورت نگرفته؟ اگر نسرین ستوده برای احقاق حق خود و دیگران دست به اعتراض بزند و سپس دستگیر و به زندان برده شود، خشونتی اعمال نشده؟ آیا اسیدپاشی های صورت گرفته در اصفهان خشونت علیه زنان نیست؟ آیا حمله به زنانی که در حمایت از شوهران اعتصابی اشان در معدن بافق بسر می بردند، از طرف عوامل امنیتی تهدید شدند، خشونت نیست؟ دستگیری فعالین کارگری در جلوی چشم همسر و فرزندان در نیمه شب خشونت علیه زنان نیست؟ آیا کشتن زنان و تجاوز به آنان در عراق، سوریه و کوبانی از طرف مزدورانی که به صورت سازماندهی شده وارد جنگ علیه منطقه خاورمیانه شده اند، خشونت نیست؟ آیا کالایی کردن زنان در نظام سرمایه داری و استفاده های تجاری و سکسی از آنان، که بزرگترین سودهی در جهان است، خشونت نیست؟ آیا پرداخت نکردن حقوق کارگران زن در محیط های کاری و پرداختن نصف و در بعضی مواقع کمتر از نصف دستمزد یک کارگر مرد در مقابل کار مساوی مردان در حق زنان و دختران کارگر، خشونت نیست؟ برخیزیم و همگام با خواهران و همسران و دخترانمان به این ظلم اعتراض کنیم.

تحریریه پیام سندیکا اول آذر 93

مراجعه و تجمع رانندگان شرکت واحد در مقابل شورای شهر و شهرداری تهران

در پی فشار اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگری شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ که با هماهنگی و رهبری سندیکای کارگران شرکت واحد انجام شد، مسئولان و مقامات مربوط مجبور شدند برای کاهش اعتراضات و نارضایتی های کارگری اقدامات نیم بندی را برای حل یکی از مشکلات اصلی کارگران یعنی مشکل مسکن انجام دهند. بر این اساس مصوب گردید مقداری از زمین های مرغوب مازاد شرکت واحد را به فروش رسانده و پول آن را در راه کمک به هزینه مسکن بخشی از کارگران هزینه نمایند. اما به دلیل اینکه این اقدامات در هنگام اخراج و زندان بودن فعالان اصلی سندیکا انجام شد، مدیریت وقت شرکت واحد با سوء استفاده و با روشی ناعادلانه و با حیف و میل کردن و پارتی بازی برای نور چشمی های خود اکثریت کارگران و رانندگان زحمت کش را از دریافت مبلغ حق کمک هزینه بلاعوض مسکن محروم کرد. در چند سال اخیر با کوشش پیگیر سندیکا نامه هایی در اعتراض به عدم دریافت این حق نوشته و با جمع آوری امضاء از کارگران علیرغم مزاحمت ها و فشارهای حراست شرکت واحد این نامه ها را برای مدیریت شورای شهر و شهرداری ارسال نمود. با توجه به عدم پاسخگویی شورای شهر و شهرداری به این نامه ها و خواسته کارگران آنها با برنامه ریزی سندیکا اقدام به هماهنگی نموده و در روز دوشنبه سوم آذر بیش از ۲۰۰ تن از رانندگان از ساعت ۱۰ تا ۱۳ به شهرداری مراجعه کرده و خواستار پاسخ مدیریت شهرداری شدند. اما چون پاسخ درستی داده نشد کارگران اقدام به تجمع و سردادن شعارهایی چون (یک مسکن مناسب حق مسلم ماست) (خصوصی سازی را رها کن فکری به حال ما کن) (کارگران بیدارند از حق کشی بیزارند) (خانه ما رو آبه مدیر ما تو خوابه) علاوه بر این پلاکادهایی را در همین راستا با دست بالا گرفته بودند و برخواسته خویش پافشاری می کردند و در حالی که مامورین اطلاعاتی و امنیتی گوناگون از دور و نزدیک تجمع

کارگران راحته نظارت و کنترل داشتند، مسئولینی از شورای شهر و شهرداری مامور به رسیدگی شدند. کارگران نیز به هنگام ترک محل اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به خواسته خود اقدام به اعتراضات بعدی خواهند کرد.



همچنان در راه دفاع از منافع کارگران ایستاده ایم!

سندیکای ما ششمین سال حیات خود را پشت سر گذاشت. شش سال پر از فراز و نشیب. شش سالی که اگر برای گردانندگان سندیکا سالهای دشواری بود، اما در زندگی کارگران هفت تپه امیدی تازه بود.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که بعد از مبارزات قهرمانانه کارگران در سال ۸۷ شکل گرفت، در دوران فعالیت خود در زمینه دفاع از منافع کارگری کارگران به دستاوردهای مهمی رسیده است.

اولا خواست ایجاد تشکل مستقل کارگری که بعد از تاسیس سندیکای واحد آغاز گردید را دنبال کرده و مانع از آن شد که این خواست طبقه کارگر ایران به دست فراموشی سپرده شود. تاسیس سندیکای کارگران هفت تپه در بین کارگران کشور با فضای امید و همدلی همراه شد. گرچه از این فضا بهترین استفاده به عمل نیامد. مبارزه قهرمانانه کارگران هفت تپه و دستاوردهای آن و همچنین تاسیس سندیکای کارگری موجب شد می توانست باعث شود که در سرتاسر ایران مبارزات کارگری از دوام و استحکام فراوانی برخوردار گردد. فرصتی که متأسفانه از دست رفت.

در عوض فعالان سندیکا با دشواریهای متعددی روبرو شدند. برای مسوولین سندیکا درست در چنین روزهایی و درست یکسال بعد از تاسیس سندیکا در سال ۸۸ مصادف به زندانی شدن شش تن از اعضای هیات مدیره و پس از آن اخراج از کار ما گردید. این توانی بود که باید برای این هدف بزرگ پرداخت می کردیم. ما این توانها را پرداخت کردیم تا کارگر هفت تپه نانی بر سر سفره اش بیاید. ما توان دادیم تا کمک کنیم تا زندگی بیش از ۵ هزار نفر در خطر نابودی نیافتد. ما مبارزه کردیم تا شرکت هفت تپه توسط زمین خواران چپاول نگردد.

از روزی که کارگران مبارزه کردند و سندیکای خود را تشکیل دادند بعد از شش سال حقوق کارگران تقریباً به موقع پرداخت می‌گردد. هنوز هم سایه سنگین سندیکا بر روی مسوولین شرکت سنگینی می‌کند. در هفت تپه کارگر شرکتی موقت (البته بجز ۵ نفر هیات مدیره) وجود ندارد. چرا که پیگیری‌های قبلی و بعدی سندیکا به رسمی شدن کارگران موقت کمک کرد. بالا بردن مزایای کارگران و اخیراً هم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل همه از دستاوردهای مبارزه کارگران و سندیکای آنان بوده است.

از طرف دیگر وضعیت ما به عنوان اعضای هیات مدیره بعد از شش سال همچنان در وضعیت سخت و دشواری قرار دارد. قرار داد موقت، عدم پرداخت مطالبات و حق بیمه سالهایی که از کار اخراج بودیم از جمله این دشواری‌هاست. ما می‌دانیم که کارفرما با رندی می‌خواهد تا شمشیر اخراج را بالای سرمان نگه دارد تا ما را از راهی که در آنیم باز دارد. اما چون مبارزه کارگر مبارزه ایست برای زندگی، ما چاره‌ای جز این نداریم تا بخاطر بقاء، بخاطر یک زندگی انسانی و شرافتمندانه به این مبارزه ادامه دهیم.

با امید به سرفرازی طبقه کارگر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه آبان ماه 1393

« سندیکای های کارگری ایران به مناسبت آغاز هفتمین سال فعالیت سندیکای پُرافتخار نیشکر هفت تپه به برادران و خواهران خود شادباش گفته ، امیدوارند که سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه قدرتمندتر از همیشه در راستای دفاع از حقوق کارگران استوار به پیش برود .

وحدت و گسترش سندیکاهای کارگری رمز پیروزی کارگران ایران است.»

نامه دبیر اتحادیه نیروی کار پروژه ای به وزیر نفت

جناب آقای وزیر نفت!

آیا نیروهای کاری که جزء به جزء پالایشگاه‌ها را می‌سازد و نصب می‌کند و به بهره‌وری می‌رساند، هیچ حقی ندارد؟!

اطلاعیه شماره ۱/۳۰۲۴ به تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۰ جناب آقای بیژن زنگنه به چهار معاونانش موضوع حق الزحمه نیروی اول سال ۱۳۹۳، معادل، حداقل ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال و حداکثر ۳۰ میلیون ریال برای شش ماه اول سال ۱۳۹۳ آقای وزیر در اطلاعیه فرمودند ((با عنایت به لزوم حمایت از کارکنان متخصص صنعت عظیم نفت و گاز و با توجه به حضور قدرتمند همکاران محترم در عرصه‌ی تولید و صادرات و تامین نیازهای داخلی، ترتیبی اتخاذ نمایند که معدل یک ماه حقوق و فوق‌العاده‌ها ... تحت عنوان موضوع فوق پرداخت گردد)).

این عمل کرد وزیر بیان‌گر حمایت مالی از نیروی کار، در صنعت نفت ایران است. ولی این حمایت و قدردانی تنها شامل اقلیتی کوچک از نیروهای کار وابسته به بهره‌برداری، یعنی کارکنان پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها می‌شود. ولی شامل حال نیروی کار پروژه‌ای که هم اینک در فازهای ۱۷-۱۸ و ۱۵-۱۶ و ۱۲ پارس جنوبی به دلیل اولویتی که دولت برای آن قائل شده است، کار با شدت به وسیله‌ی نیروی کار پروژه‌ای صورت می‌گیرد. نیروی کار پروژه‌ای پالایشگاه‌ها را تولید می‌کند، نه چند بشکه‌ی نفت. این کارگران و همکارانی که مورد حمایت مالی وزارت نفت قرار گرفته‌اند، در ساخت و نصب و تولید پالایشگاه‌ها کوچکترین نقشی ندارند، اگرچه همگی شایستگی فراتر از این اقدام شما را دارند. شما آن نیروی کار فنی - صنعتی و پروژه‌ای را که تولید همه‌ی پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌های گازی به وسیله‌ی او صورت می‌گیرد و هم اینک در حال ساخت و تحویل فازهای ۱۷-۱۸ و ۱۵-۱۶ و ۱۲ می‌باشند ندیده گرفته‌اید، چرا؟؟

شما سازندگان صنایع نفت ایران را که همگی ایرانی و متخصص هستند و جزء به جزء صنایع نفت و گاز را با دستان و اندیشه ی پویای خود ساخته اند، ندیده می گیرید . برای این عمل کرد چه استدلالی دارید ؟

آیا شما اطلاع دارید ، پیمانکاران دسته دوم و سوم و چهارمی که از نظر دولت به اصطلاح کارآفرینند حقوق این متخصصان را ماهانه پرداخت نمی کنند ؟ و اگر کارگران را بیمه کنند با مبلغ دریافتی اشان آنها را بیمه نمی کنند ، بلکه با حداقل حقوق بیمه می شوند . آیا می دانید به نیروی کار پروژه ای بیمه ی بیکاری پرداخت نمی گردد؟ در حالی که تنها شرایط کار پروژه ای است که امکان بیکاری در آن غیر قابل اجتناب است.

آیا می دانید کارگران پروژه ای روزانه ۱۲ ساعت کار می کنند و در ماه ۲۳ روز مداوم ، یعنی هر ماه ۲۷۶ ساعت کار و آیا می دانید این بر خلاف قانون کار است؟ آیا می دانید خوابگاه های کارگری استانداردها در حد محل نگه داری گوسفندان هم نیست؟ بدون بهداشت ، بدون اوقات فراغت. آیا می دانید مناطق آزاد تجاری - صنعتی از شمول قانون کار خارج شده اند یعنی در حقیقت از شمول قانون اساسی ایران ، از این رو نیروی کار پروژه ای را هیچ قانونی حمایت نمی کند و این یعنی بربریت.

اگرچه با وجود مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی امید به بهبود شرایط امروز کارگران نوعی خام اندیشی است . ولی امیدواریم این مشکلات ما مورد بررسی جناب وزیر و هیات دولت قرار گیرد.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

پارس جنوبی ، ناصر آقاجری

آبان 1393

حمایت اتحادیه جهانی «اینداستریال» از سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

در ادامه فعالیت‌های بین‌المللی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، به دعوت رهبری اتحادیه جهانی «اینداستریال» روز ۲۱ آبان ماه ۹۳ جلسه تبادل نظر مهمی بین مسئول دفتر اروپایی سندیکای فلزکار مکانیک و آقایان «جیرکی راینا» و «کمال اوزکان»، به ترتیب دبیرکل و معاون دبیرکل «اینداستریال» و مسوول امور خاورمیانه این نهاد سندیکایی بزرگ جهان صورت گرفت. اتحادیه جهانی «اینداستریال» که چند سال پیش، از به هم پیوستن چند اتحادیه بین‌المللی فعال در عرصه‌های تولید صنعتی، نفت، انرژی، معدن و حرفه‌ای به وجود آمد، امروزه بیش از ۵۰ میلیون عضو در بیش از ۱۴۰ کشور جهان دارد و به مبارزه برای بهبود شرایط کار و حقوق سندیکایی در اقصا نقاط جهان شهرت دارد. «اینداستریال» انحصارهای بین‌المللی را به چالش می‌کشد و با آنها در سطح جهانی بر سر حقوق کارگران مذاکره می‌کند. «اینداستریال» برای تحقق الگوی متفاوتی از جهانی شدن و الگوی اقتصادی-اجتماعی نوینی بر پایه عدالت اجتماعی و دموکراسی مبارزه می‌کند که انسان در مرکز توجه آن قرار دارد نه پول و سود سرمایه.

پیش از این، در اجلاس سالانه «مرکز جهانی دفاع از حقوق اتحادیه‌های کارگری» در خرداد ماه امسال، که در حاشیه جلسه «سازمان جهانی کار» در ژنوب برگزار شد، ملاقات مهمی بین نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و آقای جیم کاترسون، عضو برجسته رهبری «اینداستریال»، صورت گرفت. به دنبال این ملاقات و مکاتبات بعدی، مقدمات ملاقات رسمی اخیر در روز ۲۱ آبان ماه بین نمایندگان این دو ساختار سندیکایی تدارک دیده شد.

در ملاقات اخیر میان نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و عضوهای رهبری «اینداستریال»، که در دفتر مرکزی این نهاد اتحادیه‌ای جهانی در ژنو، پایتخت سوییس، صورت گرفت، دو طرف در ارتباط با شرایط کار کارگران

و فعالیت‌های کارگری در ایران و منطقه تبادل نظر کردند و درمورد گسترش فعالیت‌های این دو نهاد کارگری و سطح همکاری آنها تصمیم‌های مهمی گرفتند. در این دیدار، نماینده دفتر اروپایی سندیکای فلزکار مکانیک در مورد شرایط دشوار اقتصادی-اجتماعی در ایران و سیاست‌های ضد کارگری حکومت ایران و عدم توجه مقام‌های مسوول به اجرای کنوانسیون‌های معتبر جهانی و مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار، از جمله مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸، توضیح مشروحي به نماینده «اینداستریال» ارایه داد. دو طرف در ادامه بحث‌های خود در مورد شکایت‌نامه مشخص سندیکاهای ایران در ارتباط با عدم تعهد حکومت ایران به مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، که ناظر بر عملکرد دولت‌ها در «احترام به آزادی تشکل و حق کارگران در تشکل شدن» و «رعایت حق متشکل شدن و عقد قرارداد‌های دسته‌جمعی» هستند، و درمورد پیامدهای اسفبار نقض این مقاله‌نامه‌ها در سوانح کاری در کارگاه‌های تولیدی، گفتگو و تبادل نظر کردند.

معاون دبیرکل «اینداستریال» حمایت خود را از اقدام سندیکاهای ایران در تقدیم شکایت‌نامه به سازمان جهانی کار اعلام کرد. او ضمن اعلام آمادگی برای همکاری نزدیک با سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران گفت که در ماه‌های آینده وضعیت اتحادیه‌های کارگری در ایران مورد توجه دقیق «اینداستریال» خواهد بود. کمال اوزکان با اشاره به فعالیت شش اتحادیه کارگری مستقل ایران که در انتشار «پیام سندیکا» همکاری دارند گفت: «ایران در دستورکار اتحادیه جهانی ما خواهد بود، و ما از اتحادیه‌های کارگری مستقل، دموکراتیک و آزاد ایران حمایت همه‌جانبه خواهیم کرد. ما مبارزه شجاعانه سندیکالیست‌ها را در ایران، جایی که حقوق بشر نقض می‌شود، به طور برجسته در سطح جهان به نمایش خواهیم گذارد. توجه به شرایط اتحادیه‌های کارگری در ایران در حال حاضر برای اتحادیه جهانی «اینداستریال» ارجحیت بالایی دارد و وظیفه ماست که از فعالان سندیکایی و سندیکاهای مستقل در مبارزه‌شان برای تشکل کارگران و ادامه فعالیت آزادانه

سازمان‌های دموکراتیک کارگری به منظور دفاع از و پیشبرد حقوق سندیکایی و حقوق صنفی کارگران حمایت کنیم .»

در پایان این دیدار، مسوول دفتراروپایی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با مسئولان بخش ارتباطات رسانه‌ای «اینداستریال» ملاقات کرد و به سؤال‌های آنها در مورد شرایط کار و مبارزه اتحادیه‌های کارگری ایران پاسخ داد. این ملاقات بسیار مهم و موفق با صرف ناهار به دعوت رهبری «اینداستریال» پایان پذیرفت .

” روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک “



گسترده تر باد همبستگی جهانی جنبش سندیکایی
کارگران ایران و جهان



پنجمین شماره پیام آور سندیکا (ویژه نامه انگلیسی زبان پیام سندیکا) منتشر شد .

در این شماره مطالب زیر گزارش شده است :

حداقل دستمزد کارگری باید تامین‌کننده هزینه خانوار چهارنفره بشود

نامه ناصر آقاجری به وزیر نفت

گزارش کارگر فلزکار از تراکتورسازی تبریز

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو

مذاکره ی نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک با مسئول روابط بین
الملل اتحادیه کارگران فلزکار ایتالیا- «اف.آی.او.ام.»

قانون زدایی از پروژه های ساخت صنایع نفت و صنایع بزرگ ایران

” روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ”

شما ای قله های سرکش و خاموش

که پیشانی به تندرهای سهم انگیز می سایید

که بر ایوان شب دارید چشم انداز رویایی

که سیمین پایه های روز زرین را به روی شانه می کوبید

که ابر آتشین را در پناه خویش می گیرید

غرور و سربندی هم شما را باد

امیدم را برافزاید

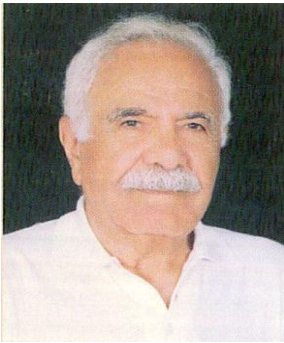
چو پرچم ها که از باد سحرگهان به سر دارید

غرورم را نگه دارید

به سان آن پلنگانی که در کوه و کمر دارید....

عزت اله باقری کارگر بافنده نساجی اصفهان و بزرگ کوشنده کارگری شورای متحده کارگران و زحمتکشان اصفهان در دهه سی ، در عین ناباوری در آمریکا در گذشت.

عزت اله باقری ، روستا زاده ای که با رنج و تلاش به یادگیری آرمان های کارگری روی آورده بود ، اولین کارگری شد که به نماینده گی از شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران به نشست سالیانه فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری در سال 1332 اعزام گردید. پس از بازگشت از ایران سه سال مخفیانه فعالیت کرد. پس از دستگیری، در زندان ساواک اصفهان ، توسط سیاحتگر شکنجه گر شاهنشاهی، شکنجه شد. عزت اله باقری تا نفس در سینه داشت برای کوشش های کارگرایش اهمیت خاصی قایل بود.او حتا دعوت شاهپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم ضدکارگری شاه در سال



1357 را برای همکاری ، قبول نکرد. او همیشه احترام آموزگاران را که به او درس انسان دوستی ، و حفظ شخصیت کارگری را آموزش داده بودند ، پاس داشت و اهمیت آن آموزگاران را در هر موقعیتی یادآور شد. در دورانی که پشت کردن به آرمانهای کارگری ، برای بخشی از به اصطلاح روشنفکران از نان شب واجب تر شده بود و کاسبکارانی از این آب گل آلود ماهی های گندیده ای را به بازار نشر ایران هدایت می کردند، او در کتاب « از وانا تا وین » ، با وجود پرسشگری ضدکارگری ، نشان داد که آموزش های کارگری را به خوبی فرا گرفته و در خون او جاریست. متأسفانه مرگ به این کارگر با شرف مهلت نداد تا به قولی که به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک برای مصاحبه ای کارگری پس از بازگشت از سفر داده بود ، عمل کند.

تلاش های او در شورای متحده کارگران و زحمتکشان اصفهان و تاریخ جنبش کارگری ایران ستودنی و جاودان است .

نام او همچون رضا روستا ، علی امید ، حسین سمنانی ، هدایت اله معلم از تاریخ جنبش کارگری ایران نازودنی است.

مام وطن منتظر درآغوش کشیدن یکی دیگر از فرزندان خلف جنبش کارگری ایران، عزت اله باقری است. تا آن روز...

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

1393/8/21

تحریریه پیام سندیکا جاودانی شدن عزت اله باقری کوشنده بزرگ کارگران بافنده اصفهان راگرامی داشته واین شعر او را شعارهمیشگی خود می داند:

به جستجوی تو بودم، نسیم صبح سعادت

به عشق وصل تو زیستم، بزرگ واژه ، عدالت



برای سلطنتم چیزی نمی خواهم

مگر ، کوچه باغی در برابر خانه ام

گهواره ای از جنس دسته گل

به بلندی جوانه سنبل . امیل زولا

میراحمد اسدالهی کارگر اخراجی تراکتورسازی تبریز، در گذشت. میراحمد اسدالهی از جمله کوشندگان کارگری بود که به طبقه کارگر و آرمان هایش تا آخرین لحظه وفادار ماند. او در اوایل دهه پنجاه در کارخانه تراکتورسازی تبریز استخدام شده و در بخش تولید تراکتور MF کار می کرد. چون فرزند رنج بود برای زدودن این رنج از طبقه خود ، در انقلاب 57 فعالانه شرکت کرد و از رهبران اعتصابی تراکتورسازی تبریز گشت. فعالیت های کارگری و سنديکایی او به مذاق کارفرمایان تازه مدیر شده خوش نیامد و او را در سال 60 بقول خود پاکسازی (اخراج) کردند.

میراحمد اسدالهی دوست خوب و مبارزمان فردا به ایران باز خواهد گشت و در بهشت زهرا وجود پُرشورش، آرام خواهد گرفت .

اسدالهی و دیگر رهبران اعتصابی تراکتورسازی تبریز هرگز از یاد کارگران و مردم تبریز نخواهند رفت.

سنديکای کارگران فلزکارمکانیک

کارگران بازنشسته کارخانه تراکتورسازی تبریز

1393/8/17

تجمع کارگران پیمانی فاز ۱۷ و ۱۸ عسلیویه در اعتراض به تعویق ۴ ماه حقوق

ساعت ۱۵ امروز هفتم آبان ماه، حدود ۱۰۰ نفر از کارگرانی که به واسطه استخدام در شرکت‌های پیمانکاری دست سوم منطقه پارس جنوبی در احداث پروژه‌های مجتمع‌های پتروشیمی و پالایشگاهی فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی مشغول کار هستند در مقابل دفتر شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی (P.M.I) تجمع اعتراضی برپا کردند. این اجتماع اعتراضی به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایایی است که از تیر ماه سال جاری تاکنون به تاخیر افتاده است و به همین دلیل تجمع کنندگان با اطلاع پیمانکاران بخشی از ساعت کار امروز را به برپایی این اقدام اعتراضی اختصاص دادند. براساس این گزارش، معترضان امروز به نمایندگی از جمعیت حدوداً ۲ هزار نفری کارگرانی تجمع کرده‌اند که حداقل در ۱۰ شرکت پیمانکاری به عنوان کارگر قراردادی مشغول فعالیت‌اند. به گفته اتحادیه نیروی کار پروژه ای، تاخیر چهار ماهه در پرداخت مطالبات مزدی این کارگران در حالی اتفاق افتاده است که در تمامی این مدت عملیات تکمیل و راه‌اندازی پروژه‌های در دست احداث توسط آن‌ها در گرمای ۶۰ درجه و هوای نامطلوب روزهای تابستان ادامه داشته است. گفتنی است دستمزد ماهانه هر یک از کارگران طلبکار از شرکت P. M. I از ۸۰۰ هزار تومان تا ۶ میلیون تومان متغیر است.

«کافی است فقط حداقل دستمزد این دو هزار کارگران را ضربدر چهار ماه عقب افتادگی حقوق این کارگران کرد تا به عدد 6400 میلیارد تومان عقب افتادگی حقوق کارگران رسید و اگر در این چهار ماه فقط شش درصد سود بانکی در نظر بگیریم، سود پول عقب افتاده حقوق کارگران به 384 میلیون تومان خواهد شد. یعنی کارفرمای کلاهبردار با این عقب انداختن حقوق کارگران به مدت چهار ماه می‌تواند 384 میلیون سود کرده و به کسی هم پاسخگو نباشد.» تحریریه پیام فلزکار

اتحادیه نیروی کار پروژه ای کارگری به ایلنا خبر داد:

کاهش نظارت بر ایمنی کارگران به دلیل افزایش سرعت کار در پارس جنوبی

«از مدتی قبل پیمانکاران زیر مجموعه یکی از این دو شرکت دست اول که اتفاقن دارای ماهیتی دولتی است؛ رویه‌ای را اتخاذ کرده‌اند که به موجب آن پیشبرد زودتر تعهدات اجرایی بر رعایت اصول و موازین حفاظت و ایمنی کار اولویت پیدا کرده است.»

به گفته فعالان اتحادیه نیروی کار پروژه ای در منطقه پارس جنوبی برخی از پیمانکاران فازها ۱۷ و ۱۸ این منطقه از مدتی پیش به منظور انجام تعهدات اجرایی، نظارت و رعایت اصول حفاظت فنی را جدی نمی‌گیرند. هم اکنون دو شرکت دست اول پیمانکاری در فازهای ۱۷ و ۱۸ منطقه پارس جنوبی مجری احداث یک پالایشگاه بزرگ گازی هستند که هرکدام از این دو شرکت نیز مطابق عرف رایج کارهای پروژه‌ای اجرای مسوولیت خود را میان شرکت‌های پیمانکاری دست دوم و دست سوم تقسیم کرده‌اند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای با بیان اینکه به واسطه این شیوه تقسیم کار در حال حاضر شمار کارگران شاغل در فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی تا چند هزار نفر می‌رسد، می‌گویند: از مدتی قبل پیمانکاران زیر مجموعه یکی از این دو شرکت دست اول که اتفاقن دارای ماهیتی دولتی است؛ رویه‌ای را اتخاذ کرده‌اند که به موجب آن پیشبرد زودتر تعهدات اجرایی بر رعایت اصول و موازین حفاظت و ایمنی کار اولویت پیدا کرده است. اعضای اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای ایران به این خبرگزاری اعلام کردند که با گذشت حدود ۷ سال از شروع فعالیت‌های عمرانی در فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی هنوز یکی از پیمانکاران دست اول این طرح نتوانسته طبق مهلت ۷۰ ماهه‌ای که از ابتدا معین شده بود به تعهدات اجرایی خود در قبال وزارت نفت عمل کند. به نظر می‌رسد که در اولویت قرار گرفتن سرعت انجام تعهدات و در

مقابل کم توجهی به رعایت اصول ایمنی و حفاظت فنی بخشی از سیاست‌هایی است که از بالا به منظور تاخیر به وجود آمده اتخاذ شده است. اتخاذ چنین رویه‌ای هرچند باعث تسریع در روند تکمیل تعهدات اجرایی پیمانکار منطقه پارس جنوبی می‌شود اما به دلیل آنکه در انجام پروژه اصول ایمنی و حفاظت فنی، کم اهمیت تلقی شده است هرگونه تکمیل و حتی بهره برداری از پروژه می‌تواند به بروز حوادث جدی کار منجر شود.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای در تشریح احتمال حادثه خیز بودن تاسیساتی که بدون نظارت فنی دایر شده‌اند می‌افزایند: خاصیت گازهای پتروشیمی به لحاظ خورندگی، اشتعال و مسمویت به حدی بالا است که چنانچه در تاسیسات در احداث از لوله و اتصالات غیر استاندارد استفاده شود پس از مدتی خطوط لوله‌های نصب شده از داخل دچار نشتی گاز شده و این نشتی در نهایت منجر به خفگی کارگران و یا بروز انفجار و آتش‌سوزی خواهد شد. در بهترین حالت در زمان بهره برداری از چنین تاسیسات معیوبی وقتی نشتی گاز با کمترین خسارت جانی و مالی ممکن کشف شود باید دوباره عملیات لوله گذاری را از سر گرفت و در تمام این مدت باید به جای استفاده از گازها در صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی آن‌ها سوزاند. این فعالان صنفی معتقدند که با نادیده گرفته شدن اصول ایمنی و حفاظت فنی، شرایط کار برای کارگران شاغل در پروژه‌های ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی در حالی خطرناک خواهد شد که هم اکنون بخش عمده‌ای از حقوق این کارگران از قبیل مزایای اضافه کاری، رفاهی، بیمه‌ای توسط شرکت‌های پیمانکاری دست سوم و چهارم نادیده گرفته می‌شود.

زمان گزارش 1393/8/17

«اگر اتحادیه نیروی کار پروژه ای اجازه نظارت و فعالیتی آزاد داشته باشد ، کارگران شاغل در پارس جنوبی می‌توانند از ایمنی جان خود مطمئن شده و پیمانکاران بی وجدان مجبورند اضافه کاری و بیمه را در حق کارگران رعایت کنند و خانواده های کارگری به حقوق خود دست یابند.»

چماق‌داران ضدسندیکایی، مجری انتخابات مهندسی شده‌ی کانون بازنشستگان کارگری

۱۱ آبان، ۱۳۹۳

انحصار طلبان کارگر گریزی که از انتخابات آزاد کارگری هم چون جن از بسم‌الله به خود لُرزیده و از آن می‌هراسند و پیرو سینه‌چاک انتخابات مهندسی شده می‌باشند؛ این بار این ترفند رسوا را برای انتخابات هیأت مدیره کانون بازنشستگان کارگری تهران با قلدری تمام به اجرا گذاشتند. عوامل گوش به فرمان ضدسندیکایی شوراهای فرمایشی که در دوره مثلا کارگری‌شان در بیش از دو دهه گذشته از امکانات عمومی کارگران سوءاستفاده کرده و توسط عوامل پشت پرده و سرکردگان خانه کارگر عرصه‌های رسمی کارگری را به قبضه خود درآورده و امروزه خود را با عنوان بسیار ناچسب و نامناسب پیش‌کسوتان کارگری بر جامعه شریف بازنشستگان تحمیل کرده تا علاوه بر مهار اعتراضات، این انسانهای شریف و رنج کشیده را برای مطامع و خواب‌های آشفته خود نردبان سازند. این زورمداران قدرت‌پرست باحمایت مراکز امنیتی و اطلاعاتی و حراست وزارت کار، صحنه مجمع عمومی را به سیطره خود درآورده و با سازمان‌دهی، انتخابات مهندسی شده‌ای را طبق میل خود سرهم‌بندی کردند. بر پایه **” تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ”** بعضی از افتضاحات بلبشوی حاکم بر این نمایش را فریاد می‌زنیم تا بازنشستگان زحمتکش و مظلوم ببینند آیا مدعیان فریادرسی و مبارزه با منکرات و فساد گوشه‌ای برای شنیدن دارند؟ ۱- هیچ‌گاه رسمیت و شمار بازنشستگان حاضر در مجمع اعلام نشد ۲- درآغاز برای تعیین هیأت ریسه ناظر بر انجام رای‌گیری، آقای فرهادی به عنوان رییس سنی به جایگاه تریبون دعوت شد اما به محض اینکه ایشان از حق کارگران برای تشکیل سندیکا سخن گفت گروه فشار باهجوم و جنجال میکروفون را خاموش و از او گرفتند و آنرا به یکی از هم‌دستان خود از عوامل خانه کارگر سپرده و او هم طبق سفارش گروه فشار گفت و رفتارکرد. ۳- مسؤل صندوق آرای بازنشستگان مرد، یکی از اجیرشدگان مهاجم به سندیکا، معروف به نادر خ..

بود که بلافاصله با اشاره اربابان سرکرده خود با قلچماقی مضحکی صندوق را با دستان حلقه شده روی شکم برجسته خود گرفته و در برابر هجوم رای دهندگان فله‌ای آورده شده به مجمع به این سوی و آن سوی زمین ورزشی می‌کشید ۴- رای دهندگان اجاره‌ای که توسط عوامل تاخت و تاز از مکانهای تعیین شده با در دست داشتن فهرست آبی رنگ مورد نظر بوسیله اتوبوس به محل آورده شده بودند، بی صبرانه منتظر انجام ماموریت و بازگشت سریع تر با اتوبوس بودند. این رای دهندگان چون کار دیگری برایشان تعریف نشده بود، با عجله به صندوق هجوم برده و با انجام ماموریت خود به سرعت صحنه را ترک می‌کردند. (تصاویر به خوبی هجوم را نشان می‌دهند)



۵- برخلاف قوانین و مقررات مربوط، از هفته‌ها پیش به صورت منظم لیست آبی‌رنگ گروه فشار در اتاق و راهروها و حیاط کانون بازنشستگان و دیگر مکانهای کارگری اشغال شده پخش می‌شد و این کار حتی تا روز و هنگام برگزاری مجمع با وسعت ادامه داشت ۶- هیچ معلوم نبود شرکت کنندگان در مجمع آیا صاحبان واقعی کارت شناسایی ارائه شده هستند و یا با زد و بند مرسوم کارت در اختیارشان گذارده شده بود. حاج و واجی بعضی از حاضران نشانی از این تخلف بود. ۷- در حالیکه طراحان انتخابات مهندسی شده با سواستفاده از امکانات عمومی از هفته‌ها قبل برای آوردن وابستگان خود با

اتوبوس‌های تحت نظارت شرکت واحد برنامه‌ریزی کرده بودند، بازنشستگان ناوابسته و مستقل از هر گونه حمایت‌های مشابه محروم و در واقع برای نیامدن شان نقشه‌کشی شده بود ۸- در اعتراض به هرج و مرج بی‌پایان، گروهی از بازنشستگان آگاه و آشنا به امور پس از شکایت به ناظر وزارت کار از رای دادن خودداری و سالن مجمع عمومی را ترک کردند ۹- صدای دادخواهی مخالفان انتخابات مهندسی شده در جنجال و هوچی‌گری شعبون‌خانی البته به جایی نرسیده و مسولان ناظر وزارت کار که وظیفه جلوگیری از تخلفات و تقلبات را دارند، با چشم‌پوشی بر خلاف کاری‌ها، عملاً با خلاف کاران همراهی می‌کردند ۱۰- در زمانی که گروه گارد آهنین آزادانه قانون‌شکنی می‌کرد، مامورین لباس شخصی پلیس‌امنیت با اشاره و راهنمایی سرکرده گاردی‌ها، معترضان را مورد فشار و تهدید و اخراج قرار می‌دانند ۱۱- انحصارداران انتخابات زدوبندی که از حضور گسترده و آگاهانه و آزاد بازنشستگان کارگری وحشت دارند، از حدود چهارصد هزار کارگر بازنشسته تهران فقط برای حضور هزار و دویست سیصد نفر که بیشترشان هم از وابستگان به خود می‌باشند برنامه‌ریزی کرده‌بودند. در واقع آنها یک مسابقه تک نفره را برای خود ترتیب داده بودند.

ورشکستگان شوراهای فرمایشی سرکوب‌گر آزادی‌های منشور حقوق سندیکایی و دیگر حقوق بنیادین کارگران این سرزمین که در مشکلات معیشتی بازنشستگان جزء مقصران هستند، بدانند کارهایشان از جمله انتخابات مهندسی‌شده اخیر کانون از نظر عموم بازنشستگان و کارگران و زحمتکشان آگاه و همه‌ی دوستداران راستین عدالت اجتماعی فاقد اعتبار و محکوم و مطرود می‌باشد و یاد آور این هشدار خردمندان است :

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

منبع : سایت سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد

گزارش کارگر فلزکار از ایران خودرو:

با توجه به قول داده شده از طرف هاشم یکه زارع مدیرعامل ایران خودرو در 2 روز اعتصاب غذای کارگران در ماه گذشته در مورد تامین کمی دستمزد با دادن پاداش ، که تاکنون صورت نگرفته است. با زمزمه اعتصاب دوباره ، سرپرستان و مدیران شرکت با پراکندن شایع در باره « پاداش که تا آخر هفته و یا تا این هفته » داده خواهد شد، تلاش دارند از اعتصاب کارگران جلوگیری کنند. بعد از تعطیلات عید فطر تمامی خطوط ایران خودرو با تمام ظرفیت کار می کنند و بخصوص کار در خطوط 2 و 3 کار بسیار سنگین و نارضایتی در میان کارگران این خطوط هر روز افزایش می یابد. در هفته قبل علیرضا محبوب نماینده بی خاصیت کارگری برای تبلیغات زود رس مجلس به ایران خودرو و سایپا سر زد. در ایران خودرو به همراه هاشم یکه زارع مدیرعامل به سالن اجتماعات آمده بود که در همان اوایل سخنرانی اش با اعتراض کارگران روبرو شد. کارگران می گفتند: « این چه دستمزدی بود که در سال گذشته مصوب شد ...» که با پاسخ محبوب که گفت: « این را نماینده کارگران و دولت توافق نموده اند...» که با هو و جنجال کارگران روبرو شد. هاشم یکه زارع کارگران را آرام کرد که با پرسش کارگران مواجه شد که چرا: « حقوق های ما کم است با توجه به این کار سنگین و زیاد...» که محبوب و هاشم یکه زارع قول دادند در سال جاری حقوق ها را به نسبت تورم بیشتر افزایش خواهد یافت. کارگران از محبوب در مورد اینکه چرا در ایران خودرو شورا نداریم پرسیدند که محبوب گفت: « با مدیرعامل صحبت کرده و موضوع داشتن شورا و انتخابات آن را حل خواهد کرد». کارگران در مورد پاداش برای جبران کمی حقوق از هاشم یکه زارع پرسیدند که گفت: « در دست اقدام است کمی صبر کنید» بعد از این حرف محبوب خواست صحبت کند که با اعتراض و خروج کارگران از سالن اجتماعات روبرو شد.

" روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک "

1393/8/27



گزارش کارگر فلزکار از تراکتورسازی تبریز :

۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه «ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز»، (سوم آبان) در اعتراض به پرداخت نشدن ۲ ماه حقوق و نامشخص بودن وضعیت کارخانه مقابل درب ورودی این واحد صنعتی تجمع کردند. و سپس با خروج از کارخانه در خیابان منتهی به آن تجمع کردند. این کارگران که حقوق ۲ ماه شهریور و مهر را دریافت نکرده‌اند در پی تداوم بی‌توجهی مسئولان کارخانه به مطالبات صنفی‌شان از مسئولان استانی استمداد طلبیدند.

مجتمع کارخانجات تراکتورسازی تبریز در زمینی به مساحت بیش از 400 هکتار واقع شده است، که از این مقدار 50 هکتار آن بصورت سالن سرپوشیده می باشد. این کارخانه که در سال ۵ مهرماه ۱۳۴۶ تاسیس گردید و از همان سال در ابتدا خط تولید تراکتورهای رومانی راداشت و سپس در سال 1354 بخش تولید تراکتورهای (MF مسی فرگوسن) راکه انگلیسی بود، تولید کرد. کارخانه تراکتورسازی تبریز، بصورت مجتمعی صنعتی طراحی و ساخته شده است از بخش هایی چون تولید تراکتور، موتورسازی، آهنگری، ریخته گری، ماشین آلات صنعتی (ساخت لودر...) و خدمات صنعتی (کشاورزی) و

کامیونت تشکیل شده است. این مجتمع صنعتی در خاورمیانه بی نظیر است و تنها کارخانه نیشکر هفت تپه اهواز با آن برابری می کند.

اعتصابات کارگری این کارخانه در انقلاب بهمن بسیار زبانزد مردم آذربایجان بود. بطوریکه هر حرکت این کارخانه بسرعت در تمام شهر انعکاس دارد. مبارزات این شرکت در فضای اجتماعیو سیاسی تبریز و آذربایجان بسیار تعیین کننده است. پس از انقلاب و با آمدن مدیرعامل فضیلی در سال 1359 به این کارخانه ، موضوع حمل تاسیسات آن به شهر اصفهان در دستور روز قرار گرفت که با اطلاع کارگران و اعتصاب ده روزه این موضوع منتفی شد. کهنه اندیشان که از تاثیر حرکت های انقلابی کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز مطلع بودند برای تضعیف آن از پای ننشسته و با نرده کشی در داخل کارخانه بخش های کارخانه را از هم جدا نمودند. یعنی هر بخش حسابداری جدا ، حراست جدا، مدیرعامل جدا دارد و با یک مدیرکل اداره می شود. شرکت آهنگری، موتورسازان و ریخته گری در سال ۱۳۶۶ از این شرکت تفکیک شدند. در سال ۱۳۷۳ نیز کارگاه ابزارسازی این کارخانه مستقل شد. البته کارگران این مجتمع سرویس رفت و آمد را با هم استفاده می کنند. با تفرقه ای که در کارخانه اعمال شد و با بیرون کردن کارگران آگاهی که در سال 1357 اعتصابات پرشکوه انقلاب راسازماندهی کردند، کارگران تراکتورسازی را از داشتن فعالان کارگری آگاه و سندیکالیست ها محروم کردند. این کارخانه با 11 هزار کارگر و تولیدات بی نظیر در منطقه و صادرات به کشورهای ترکیه ، سوریه ، تاجیکستان ، لیبی ، سودان، اوگاندا، کنیا، ونزوئلا، آرژانتین همچنان مورد افتخار مردم آذربایجان قرار دارد. در سال ۱۳۸۲ خط مونتاژ شماره ۲ این شرکت در استان کردستان (تراکتورسازی سنندج) با ظرفیت سالانه ۳۵۰۰ دستگاه ایجاد گردید، همچنین در سال ۱۳۸۲ شرکت تراکتورسازی ارومیه که در زمینه تولید تراکتور باغی راه اندازی و به تولید رسید. در سال 1384 بخش ماشین آلات صنعتی کارخانه توسط شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان خریداری شد. این

شرکت متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان است.

« نابودی مجتمع های بی نظیر در خاورمیانه همچون هفت تپه، تراکتورسازی تبریز، ذوب آهن در دستورکار سرمایه داری انگل تجاری قرار گرفته است. تا به این وسیله صنایع را نابود کرده ، بتوانند از طریق واردات محصولات این کارخانه ها هرچه بیشتر صنعت ایران را به کشورهای خارجی وابسته نگه دارند و به سود های افسانه ای برسند. هنوز پرونده بابک زنجانی مافیای فولاد و مواد غذایی، بسته نشده و زیان هایی که او به اقتصاد ایران وارد کرده بازگو نشده است.»

تجمع کارگران «ماشین آلات صنعتی تبریز» در اعتراض به تعویق ۲ ماه حقوق

براساس گزارش خبرگزاری ایلنا، این کارگران که حقوق ۲ ماه شهریور و مهر را دریافت نکرده‌اند در پی تداوم بی‌توجهی مسوولان کارخانه به مطالبات صنفی‌شان از مسوولان استانی استمداد طلبیدند. کارگران که افزایش مشکلات کارخانه را حاصل حضور نیافتن کارفرما و سایر مدیران در کارخانه می‌دانند به ایلنا گفته‌اند پس از خروج کارگران معترض از کارخانه، فرماندار تبریز و مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی برای جلوگیری از تشدید این اعتراض صنفی در جمع کارگران حاضر شدند. روز گذشته کارگران با دعوت فرماندار تبریز وارد کارخانه شدند و او در جمع کارگران قول داد تا چند روز آینده با دعوت مدیران کارخانه ضمن دریافت مطالبات کارگران وضعیت کارخانه را نیز مشخص کند.

به گفته کارگران این کارخانه علاوه بر دو ماه تعویق حقوق، پرداخت نشدن ۷ ماه حق بیمه به تامین اجتماعی را نیز در سوابق بیمه‌ای‌شان مشاهده می‌کنند. آنان می‌گویند طی ۴ ماه گذشته در کارخانه کاری برای انجام دادن وجود نداشته و حضور آنان صرفاً برای ثبت حضور و غیاب انجام می‌شده است.

منابع خبری در کارخانه ماشین‌آلات صنعتی تراکتور سازی تبریز گزارش داده‌اند که تولید در این واحد صنعتی در سال جاری به حداقل ظرفیت رسیده است. این کارخانه از ابتدای سال حدود ۵۰ تا ۶۰ تراکتور (بیل دار) تولید کرده است که حدود ۱۵ دستگاه از این تولیدات هنوز در انبار کارخانه باقی ماند و فروش نرفته است.



کارگران با ارسال نامه‌ای به وزیر کار اعتراض کردند:

سن بازنشستگی کارگران ریخته‌گری ماشین سازی تبریز هر سال افزایش می‌یابد

جمعی از کارگران شرکت ریخته‌گری ماشین سازی تبریز که تحت مسوولیت «صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز» مشغول به کارند، با ارسال نامه سرگشاده‌ای به علی ربیعی وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی خواستار اقدام جدی او در زمینه مشکلات صنفی خود پس از واگذاری به این صندوق شدند. آنان با اشاره به اینکه با قرارگرفتن در زیرمجموعه صندوق آتیه‌ساز بازنشستگی‌شان به تاخیر افتاده است، خطاب به علی ربیعی آورده‌اند: ما کارگران شرکت ریخته‌گری ماشین سازی تبریز با حدود 20 سال کار کردن

در مشاغل سخت و زیان آور بدلیل انتقال غیرقانونی سوابق بیمه ای از سازمان تامین اجتماعی به صندوق آینده ساز طی سالهای 1380 تا 1382 با مشکلات عدیده و جدی مواجه شده ایم و اجحاف مضاعفی در حق ما شده است.

کارگران در ادامه این نامه به موارد متعدد تخلف در این واگذاری اشاره کرده و آورده‌اند: ما در کارگاههای مشمول قانون کار، کار می‌کنیم و بر اساس ماده 148 قانون کار، کارفرما مکلف است ما را مطابق قوانین تامین اجتماعی بیمه کند. تا سال 1382 بیمه ما طبق قانون در سازمان تامین اجتماعی انجام می‌شد اما طی سالهای 1380 تا 1382 با همدستی کارفرما و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و صندوق آینده ساز، به تدریج با دادن وعده‌های فراوان از جمله رعایت قوانین کار توسط صندوق آینده ساز و با زیر پا گذاشتن قانون کار، سوابق بیمه ای ما کارگران از سازمان تامین اجتماعی به صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز منتقل شد. آنان تاکید کرده‌اند: ما کارگران هیچگونه درخواستی مبنی بر استفاده از ماده 42 قانون سوم توسعه نداشتیم تا مطابق آن بیمه ما عوض شود و این انتقال طبق این ماده انجام نشده است، همچنین در هنگام انتقال سوابق به صندوق آینده ساز آن صندوق با اعلام شفاهی و کتبی خود را مقید به اجرای قوانین کار و مخصوصاً "ماده واحده مصوب 1380/7/14 مجلس شورای اسلامی در مورد بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور معرفی کرده و جهت جلوگیری از اعتراض ما کارگران در آن زمان بصورت کتبی مورد فوق را به ما اعلام کرده بود.

کارگران شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز در ادامه به تزییع حق‌شان در خصوص استفاده از مزایای قانون سخت و زیان آور اشاره و تصریح کرده‌اند: حال بعد از اینکه ما 20 سال در شرایط سخت و زیان آور کار کرده ایم و دوستان و همکاران ما که بیمه آنها تغییر نکرده و در تامین اجتماعی بودند با شرایط و اعمال قانون کارهای سخت و زیان آور بازنشسته شده و ترک کار کرده اند ولی صرفاً بدلیل اینکه صندوق آینده ساز هر روز یک بخشنامه ای را تصویب میکند مانع باز نشسته شدن ما کارگران شده است.

آناندر نامه به بخشنامه های صندوق آینده ساز که مغایر با قوانین و مقررات کار هنگام عضو گیری بوده اشاره و عدم قبول مشاغل سخت و زیان آور که در کمیته استانی مورد تایید قرار گرفته و بررسی مشاغل در هیات تشخیص خود صندوق و رد آنها علیرغم تایید کمیته استانی از جمله این موارد خوانده شده و آمده است: در صندوق آینده ساز ابتدا برای مشاغل سخت و زیان آور شرط سنی نبوده و مطابق قانون عمل می شده ولی با اعمال مقررات مصوب خود در سال 92 شرط سنی 45 سال و در سال 93 شرط سنی 50 سال را اعلام و اجرا می کنند و معلوم نیست که بعد از آن چه مقرراتی را اتخاذ خواهد نمود. همچنین هم اکنون با مکاتبه با سازمان تامین اجتماعی و بررسی پرونده های ما کارگران که که مشخص شده سوابق بیمه ای ما کارگران مطابق ماده 42 قانون سوم توسعه انتقال نیافته و امکان برگشت سوابق ما به تامین اجتماعی وجود دارد، از این بابت 21% کل سوابق را بعنوان مابه التفاوت درخواست میکنند که برای هر نفر حدود یکصد میلیون تومان می شود. کارگران عضو صندوق آینده ساز شرکت ریخته گری ماشین سازی تبریز در ادامه از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواسته اند تا خود با عنایت به شرح موضوع در قبال این کارگران متضرر قضاوت نماید تا چگونه آنان آنچنان مبالغ هنگفت و غیر منصفانه را به عنوان مابه التفاوت در این زمینه پرداخت نمایند آن هم در حالی که به صورت غیرقانونی سوابق بیمه ای انتقال یافته و کارگران بی تقصیرند. آنان در واقع تاوان اقدامات غیرقانونی سازمان گسترش - سازمان تامین اجتماعی و صندوق آینده ساز و همینطور کارفرمای وقت را می پردازند. آیا دستگاهی در کشور وجود ندارد که صندوق آینده ساز را مجاب به اجرای قانون نموده تا مطابق قول و وعده های خود در هنگام عضو گیری عمل کرده و از تغییر در بخشنامه ها که با سرنوشت مستقیم کارگران در ارتباط است خودداری نماید؟ در ادامه این نامه به عدم رسیدگی به شکایات کارگران از سوی دستگاه های مختلف اشاره شده و آمده است: دیوان عدالت اداری به شکایات مطروحه علیه صندوق آینده ساز رسیدگی نمی کند، چون صندوق دارای ردیف بودجه دولتی نیست - وزارت

کار به این صندوق رسیدگی نمی‌کند چون از امکانات دولتی استفاده نمی‌کند. آیا صندوق آینده ساز و شورای عالی مربوطه و هیات امناء به لحاظ اینکه صندوقی خود کفا و خصوصی است به بهانه اینکه صندوق قوانین خاص خود را دارد هر کاری و هر قانونی که بخواهد می‌تواند مصوب کند؟ پس جایگاه و چارچوب قانون و مقررات کشور کجاست؟ آیا دستگاه و مرکز تظلمی نیست که جلوی کارشکنی‌ها و این ظلم‌های بی‌رویه و اجحاف را گرفته و اعمال قوانین و مقررات قانونی نماید؟

کارگران عضو صندوق آینده ساز شرکت ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز از علی‌ریبعی خواسته‌اند تا به این وضعیت رسیدگی و صندوق آینده ساز مجاب شود تا مطابق قانون کار و قوانین سازمان تامین اجتماعی با کارگران رفتار نماید چرا که آنان جزو مشمولان قانون کار هستند و یا سازمان تامین اجتماعی که خود نیز عامل انتقال پرونده‌های ما کارگران به صندوق آینده ساز بوده بدون اخذ هرگونه مابه‌التفاوتی سوابق بیمه‌ای کارگران را تحت پوشش خود قرار دهد تا مطابق با قوانین کار از مزایای بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور بهره‌مند شوند.

در ادامه این نامه عنوان شده است که این ظلم و اجحاف فقط مختص ما کارگران شرکت ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز نبوده و خیلی از کارگران گرفتار این مشکل هستند یا با آن روبرو خواهند شد.

متأسفانه وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی که باید حامی کارگران باشند به همدست غارتگران مبدل گشته‌اند. غوغای خصوصی‌سازی و گردن‌گذاشتن به سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و خصوصی‌کردن بیمه کارگران جز این نتیجه‌ای ندارد. بی‌تردید در پشت پرده کسانی در این غارت با صندوق آینده ساز شریک هستند. کافی است نام اعضای هیات مدیره این صندوق اعلام شود تا وابستگان وزرا و مجلسیان را در آن شناسایی کرد.

تحریریه پیام سندیکا

کارگر ایران خودرو گزارش می دهد:

با توجه به بد قولی مدیرعامل ایران خودرو هاشم یکه زارع به کارگران در مورد جبران کمی مبلغ دستمزدهای امسال ، در 14 مهر ماه سالن مونتاژ ایران خودرو دو روز دست به اعتصاب زده و از رفتن به سالن غذا خوری خوداری می کنند. در روز دوم هاشم یکه زارع که کارگران او را هاشم گدا خطاب می کنند به سالن مونتاژ آمده و می گوید دستمزد 600 هزار تومانی مصوب دولت است و او نمی تواند کاری بکند. یکی از کارگران با اشاره به سنگینی کار در این سالن می گوید که پیمانکاران نیروی انسانی شرکت ایران خودرو در اول مهرماه 150 کارگر را برای کار به این سالن فرستادند که بیش از 10 روز نتوانستند در اینجا کار کنند و همگی فراری شدند، چون دستمزدمان با کاری که می کنیم جور نیست. هاشم یکه زارع قول می دهد که برای جبران کمی حقوق پاداشی برای کلیه کارگران در نظر بگیرد. این درحالی است که شرکت ایران خودرو با ظرفیت کامل کار کرده و سودهای نجومی شرکت و پاداش های چند صد میلیونی مدیران ایران خودرو هر ساله نقل هر محفلی است ، ولی از بالا بردن دستمزد کارگران خودداری می کنند.



IKCO
IRAN KHODRO CO

اخراج ۱۱۰۹ کارگر همزمان با تلاش دولت برای تغییر قانون کار

درشرایطی که دولت پروژه تغییرقانون کار ربا شعار«تامین امنیت شغلی کارگران» دنبال می‌کند، گزارش‌های منتشر شده در ایلنا نشان می‌دهند از ابتدای هفته گذشته - از زمان رسانه‌ای شدن قصد دولت برای تغییر قانون - تاکنون حداقل ۱۱۰۹ کارگر اخراج شده‌اند. فعالان حقوق صنفی کارگران معتقدند در صورت تصویب این قانون، ته مانده موانع قانونی اخراج کارگران نیز برداشته خواهد شد. حداقل ۱۱۰۹ کارگر از ابتدای هفته گذشته در کارخانه‌های «گسترش مانا ساز»، «قطارشهری اهواز»، «گازلوله»، «کاشی گیلانا»، «ایران زاک»، «نوشابه خوشگوار»، «نورد و لوله صفا»، «شیشه آبگینه»، «آبفای آبادان» و «سیمان کارون» اخراج شدند.

اخراج ۵ کارگر ایران زاک به دلایل نامعلوم

«محمد علی کاظمی»، «جاوید نوالقرنی»، «کریم مافی دوست»، «مصیب کلهر» و «مهدی معافی بردبار» از کارگران رسمی ایران زاک قزوین (شرکت تولید کننده آدامس) یکشنبه (۴ آبان) به دلایلی که از آن بی‌اطلاعتند اخراج شدند. هر کدام از این کارگران حداقل ۱۷ سال سابقه کار دارند.

مصونیت نمایندگی مانع از اخراج کارگران خوشگوار نشد

«حسن سلیمی» و «محمد لایقی» از نمایندگان کارگران انبارهای محصولات شرکت توزیع نوشابه خوشگوار تهران یکشنبه (۴ آبان) اخراج شدند. این دو نفر به ترتیب رئیس و نایب رئیس شورای اسلامی کار این واحد بودند.

کارگر مانا به دلیل درخواست سایبان اخراج شد

«جعفر اسرافیلی»، کارگر شرکت ساختمانی گسترش مانا ساز اولین نفری بود که شنبه هفته گذشته (۲۶ مهر) اخراج شد. آقای اسرافیلی در تشریح دلیل اخراجش می‌گوید کارفرما در دو سال گذشته او را به عنوان نگهبان

خودروهای پرسنل در جاده منتهی به کارخانه مستقر کرده بوده و با دوربین‌های مدار بسته کنترلش می‌کرده است.

تنظیم لیست اخراج کیسون بر اساس تلاش صنفی کارگران

«علی بارانی»، «غلامرضا نوروزی»، «توماج بهرامی» و «مهدی بدوی» از کارگران پیمانی قطار شهری اهواز شنبه هفته گذشته (۲۶ مهر) اخراج شدند. هر کدام از این کارگران حداقل ۵ سال سابقه کار دارند.

ممانعت از ورود یک هزار کارگر نورد و لوله صفا به کارخانه

هزار کارگر نورد و لوله صفا در ساوه از سه‌شنبه هفته گذشته (۲۹ مهر) اجازه ورود به کارخانه را ندارند. کارفرما در پی تشدید اعتراض صنفی کارگران کارخانه را تعطیل کرده است. منابع کارگری می‌گویند کارگران از روز یکشنبه هفته گذشته (۲۷ مهر) در واکنش به پرداخت نشدن سه ماه حقوق و ۱۸ ماه بیمه دست از کار کشیده‌اند.

دلیل اخراج کارگران گاز لوله: مخالفت با موقتی شدن قرارداد کار

«جعفر مولایی»، «عباس شفیعی»، «حسین امیری»، «محمد فرجی»، «علیرضا رضایی»، «کامبخش کمالی‌ها»، «جواد قلعه نوعی»، «اصلان نوری‌زاده» و «زهرا غفاری» از کارگران «رسمی» شرکت تولیدی گاز لوله ساوه پنج‌شنبه هفته گذشته (۱ آبان) به دلیل مخالفت با تغییر قرارداد کارشان از «دائمی» به «موقت» اخراج شدند.

اخراج ده‌ها کارگر کاشی گیلانا با دلیل افزایش بار مالی کارفرما

بیش از ۲۰ کارگر قرارداد موقت کاشی گیلانا پنج‌شنبه هفته گذشته (۱ آبان) به دستور سهامداران اصلی این واحد تولیدی اخراج شدند. منابع کارگری می‌گویند مدیران کاشی گیلانا این کارگران را به دلیل افزایش بار مالی کارخانه اخراج کرده‌اند.

دو کارگر شیشه آبگینه بعد از مذاکره با کارفرما اخراج شدند

«حسین فلاح» و «منوچهر افشار» از کارگران شیشه آبگینه قزوین یکشنبه (۴ آبان) به دلیل پیگیری مطالبات صنفی همکارانشان اخراج شدند.

اخراج نماینده کارگران آبفای آبادان

کارگران آبفای آبادان دیروز (دوشنبه ۵ آبان) خبر دادند شرکت ارمغان نمای شوشتر به عنوان پیمانکار آبفای آبادان آقای «رضا گلستانی» نماینده صنفی کارگران را به اتهام پیگیری مطالبات معوقه همکارانش اخراج کرد.

اتمام قرارداد کار ۶۵ کارگر سیمان کارون را به خانه فرستاد

منابع کارگری امروز (سه شنبه ۶ آبان) گزارش دادند ۶۵ کارگر سیمان کارون به دلیل اتمام قرارداد کاری اخراج شدند.

نابودی قانون کار ساده‌ترین راه حل

سیاست‌های ویرانگر دولت ۸ ساله احمدی‌نژاد و پیروی از دستورات صندوق بین‌المللی پول و تحریم‌های فلج‌کننده غرب شاخص‌های اقتصادی کشور را در شرایط بسیار بدی قرار داده‌اند به گونه‌ای که بسیاری از واحدهای تولیدی در سال‌های گذشته یا تعطیل شده یا ظرفیت تولید خود را کاهش داده و کارگران‌شان را اخراج کرده‌اند. رکود اقتصادی فعلی کمترین پیامد آن سیاست‌ها به شمار می‌رود. تلاش برای تغییر قانون کار به سود سرمایه داری وطنی و خارجی در چنین شرایطی احتمالا ساده‌ترین راه حل بهبود وضعیت واحدهای تولیدی شمرده می‌شود، راه حلی که به منزله تحمیل هزینه سیاست‌های دولت بر دوش کارگرانی است که با حداقل مزد ۶۰۰ هزار تومانی برای تامین حداقل‌های اولیه یک زندگی شرافتمندانه می‌جنگند.

دادگاه کار آلمان اعتصاب رانندگان قطار این کشور را قانونی خواند!

«اورسولا اشمید» قاضی دادگاه کار آلمان در حکم خود در این باره اعلام کرد: اعتصاب رانندگان قطار که باعث شده است حمل و نقل ریلی در این کشور از صبح روز پنجشنبه دچار اختلال گسترده شود، به هیچ وجه مغایر قوانین نیست.

به گزارش ایلنا این مقام قضایی آلمان در گفتگو با خبرنگاران در این باره گفت: «اعتصاب‌ها، نتایج گسترده‌ای دارد و آسیب‌های زیادی را به کشور وارد می‌کند. اما به هر حال هدف از اعتصاب نیز همین است.» اعلام این حکم دادگاه بدین معنا است که گفتگوی مسوولان سندیکاهای کارگری آلمان با مقامات شرکت راه آهن این کشور تا روز دوشنبه ادامه پیدا خواهد کرد. همچنین اعتصاب ۱۹۶ هزار کارمند این شرکت ادامه خواهد داشت و میلیون‌ها مسافر در آلمان با اختلال در استفاده از سامانه حمل و نقل عمومی روبرو خواهند بود. اعتصاب کارکنان راه آهن آلمان به دنبال شکست مذاکرات شرکت قطار و سندیکای رانندگان قطار برسر افزایش دستمزد رانندگان قطار از چهار روز پیش آغاز شد. این اعتراض نه تنها باعث قطع خدمات ریلی برای مسافران و سرگردان شدن بسیاری از آنان و فشار آوردن بر سایر وسایل نقلیه عمومی در آلمان شد، بلکه روند حمل و نقل کالاها در این کشور را مختل کرد. گفته می‌شود علت این امر به پیوستن رانندگان قطارهای باری آلمان به جمع اعتصاب کنندگان بوجود آمده است. طبق گفته مسوولان سندیکای رانندگان قطار طولانی‌ترین اعتصاب ممتد رانندگان قطارهای آلمان در تاریخ این کشور به وجود آمد. در پی برهم خوردن روند جابجایی مسافر و کالا در شبکه قطار آلمان، «آنگلا مرکل»، صدراعظم این کشور، از دو طرف مذاکره کننده خواست، هرچه زودتر راه حلی برای این مشکل پیدا کنند تا کمترین صدمات از این اعتصاب به کشور آلمان وارد شود.

دم خروس یا قسم در گفتار سخنگوی وزارت کشور:

هیچ منعی برای تجمعات صنفی کارگران وجود ندارد

سخنگوی وزارت کشور در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: هیچ کسی مانع ایجاد تجمعات مسالمت‌آمیز کارگری برای مطالبه حقوق و مزایا نمی‌شود و وزارت کشور هم به این نوع اجتماعات مجوز می‌دهد. بنده به عنوان یک حقوقدان عرض می‌کنم که در ارتباط با تشکیل راهپیمایی‌ها تقریباً می‌توان گفت که سالانه در حوزه‌های مختلف صنفی، ملی و کارگری اجتماعات زیادی در کشور برگزار می‌شود اگر بگویم سالانه حدود ۳۰۰۰ تجمع از این قبیل در سطح کشور برگزار می‌شود، اغراق نکرده‌ام. با این حال آنچه مهم است این است که این اجتماعات نباید منجر به خدشه دار کردن امنیت کشور شود تا جایی که تجمعات آسیبی به امنیت کشور نزنند این تجمعات برگزار شده و می‌شود و هنوز هم وزارت کشور به چنین تجمعاتی مجوز می‌دهد. وی تأکید کرد: این تجمعات هیچ منعی ندارد، مگر اینکه منجر به اخلاف در نظم عمومی شود، هیچ کسی مانع ایجاد تجمعات مسالمت‌آمیز کارگری برای مطالبه حقوق و مزایا نمی‌شود و وزارت کشور هم به این نوع اجتماعات مجوز می‌دهد.

« جناب شما از چه ترسیدی که به خانه کارگر که رییس اش وزیر کار است مجوز راهپیمایی برای روز کارگر ندادید و دورغ به این بزرگی هم می‌گویید. دستگیری و زندانی کردن کارگران در روز اول ماه مه و برگزارکنندگان جشن روز کارگر در کرج، دستگیری نمایندگان کارگران پلی اکریل، چادرملو، معدن بافق و پتروشیمی اهواز به زعم آقای سخنگو می‌خواستند نظم عمومی را برهم بزنند و امنیت کشور را به خطر بیندازند و به دنبال احیای حقوق کارگری و مزایای کارگیشان نبوده‌اند. آقای سخنگو یادش رفته این کارگران و زحمتکشان ایرانی بوده‌اند که امنیت ملی ایران را تضمین و تامین کرده‌اند. هنوز خون زحمتکشان در جنگ که مورد تبلیغات رسمی است خشک نشده و از یادمان نرفته چه کسانی در این مدت پول‌های افسانه‌ای به جیب زدند. امنیت ملی ایران را همیشه کارگران با خونشان تضمین کرده‌اند نه ... »

زنائی که در قسمت بار وانت به محل کار می‌رسند

خبرگزاری ایلنا: در حادثه اول که در در نزدیکی جاده روستایی ایلشهر بخش بوشکان برای زنان کارگر «گوجه چین» رخ داده است، کارفرما از وانت پیکان برای حمل ۱۵ کارگر در قسمت بار استفاده می‌کرده است. در حادثه دوم که در مشهد اتفاق افتاده کارفرما ۱۸ کارگر «پیاز کار» را در قسمت بار سوار کرده است که در هر دو این حوادث، پس از وقوع حادثه فاجعه به بار آمده است.

بروز دو حادثه‌ی مشابه طی یک هفته ی گذشته که به کشته و زخمی شدن تعدادی از زنان کارگر در حین رفتن به محل کار انجامید، باعث شد بحث چگونگی حمل و نقل کارگران بیش از پیش اهمیت یابد. حوادثی از این دست می‌تواند زنگ هشدار را برای متولیان حفظ ایمنی کارگران به صدا درآورد. واقعیت این است که کارگران فصلی به نسبت سایر کارگران از ضعیف‌ترین حمایت های قانونی و درمانی برخوردارند و در این میان وضعیت زنان کارگر فصلی به مراتب بدتر است.

در حالی که فصل هشتم قانون کار بر تخصیص خدمات رفاهی و به ویژه وسیله مناسب حمل و نقل از سوی کارفرما برای کارگران تاکید کرده است، اما بروز حوادثی از این دست برای کارگران برخی مناطق کشور نشان از عدم تعهد کارفرمایان به مقررات موجود دارد. ماده ۱۵۲ قانون کار می‌گوید: **«در صورت دوری کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی، صاحب کار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد.»** امری که به نظر می‌رسد حداقل درمورد کارگران فصلی به درستی اجرا نمی‌شود. اشرف بنایی فعال کارگری در این باره به ایلنا گفت: متأسفانه بازرسی‌های دوره‌ای در مورد کیفیت خدمات رفاهی به کارگران شاغل در کارگاه‌ها یا مراکز صنعتی بیشتر جنبه نمایشی دارد و متأسفانه کیفیت نظارت بر چگونگی تامین خدمات رفاهی توسط کارفرما برای کارگران مطلوب نیست. حادثه خیابان جمهوری در سال گذشته و اتفاقاتی که این روزها در مورد کارگران فصلی می‌افتد نشان می‌دهد، ضعیف‌ترین قشر

بازار کار در فقدان حداقل حمایت‌های قانونی برای تامین معیشت خانواده به سخت‌ترین کارها تن می‌دهند. در حالیکه کشور ما منابع عظیم ثروت را در اختیار دارد و با توزیع مناسب این ثروت ملی می‌توان بخش بزرگی از جامعه را از تن دادن به مشاغل سخت آن هم با حداقل امکانات حمایتی نجات داد.

بدون تشکل امنیت کارگران تامین نمی‌شود

در این میان برخی از فعالان کارگری معتقدند، تنها با افزایش فعالیت و گسترده شدن اختیارات اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری برای احقاق حقوق کارگران می‌توان فشار بر کارفرما را برای رعایت مقررات کار بیشتر کرد.

اکرم محمدی فعال کارگری با اشاره به اینکه سندیکاهای کارگری می‌توانند با حمایت از کارگران فصلی شرایط را برای امنیت شغلی آن‌ها فراهم کنند به این‌گونه گفت: متأسفانه به دلیل عدم وجود سندیکاهای کارگری مستقل نه کارگر و نه کارفرما نمی‌توانند در شرایط امن کار کنند.

وی در ارتباط با عدم نظارت ویژه بر وضعیت رفاهی کارگران در بخش‌های مختلف صنعتی نیز گفت: متأسفانه بازرسی بسیار ضعیف عمل می‌کند و اصلاً فعال نیست. حتی در صنایع بزرگ هم این نظارت انجام نمی‌شود چه رسد به شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده‌ای که این اتفاقات در آنجا افتاده است. آقایان در اداره کار به دنبال این هستند که موادی از قانون کار را اصلاح کنند که عملاً شرایط کار را برای نیروی کارگر سخت‌تر می‌کند. قانون کار یک قانون حمایتی است، اگر همین قانون به درستی اجرا شود، نیازی به اصلاح نیست.

وی به تلاش دولت برای اصلاح قانون کار اشاره کرد و افزود: بدیهی‌ترین مسئله مطرح شده در این قانون حق تامین سرویس حمل و نقل برای کارگران است، امری که هنوز برای بسیاری از کارفرمایان اهمیتی ندارد.

گزارش تصویری از تجمعات امروز کارگران مقابل مجلس

دو گروه از کارگران با مطالباتی جداگانه اما بصورت هم زمان صبح یکشنبه (۲۵ آبان) مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند.

تجمع اول مربوط به حدود ۱۰۰۰ کارگر ساختمانی است که در اعتراض به تغییر قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی به مجلس آمده‌اند. در فاصله‌ای نزدیک به تجمع کارگران ساختمانی، حدود ۱۰۰ نفر از کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام در اعتراض به خودداری کارفرما از اجرای احکام بازگشت به کار و پرداخت مطالبات معوقه آنها با سفر به تهران جمعی اعتراضی دیگری را برپا کردند.



ILNA

Photo:Ilna

Iranian Labour News Agency

گزارش ITUC در کدام کشورها حقوق فعالان صنفی بیشتر نقض می شود؟؟ نسرین هزاره مقدم

کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی (ITUC) در اسفند سال گذشته، گزارشی مفصل از چگونگی نقض حقوق سندیکایی کارگران و دستمزد بگیران در کشورهای مختلف جهان، منتشر کرده است. در این گزارش، 139 کشور جهان براساس 97 شاخص، رتبه بندی شده اند. اطلاعات خام برای تهیه این گزارش، طی دوازده ماه توسط اعضای این کنفدراسیون که عموماً اتحادیه های سراسری کشورها متشکل از کارگران اصناف مختلف و معلمان هستند ارسال شده است، درعین حال، عملکرد کشورها در طی 30 سال گذشته نیز در نظر گرفته شده است.

این گزارش به صورت زیر جمع بندی شده است: در 35 کشور، در طول سال گذشته، پاسخ درخواست های کارگران، بازداشت و زندانی شدن توسط دولت ها بوده است. در 9 کشور، کارگرانی به طور سیستماتیک به قتل رسیده اند یا ناپدید شده اند. در 53 کشور، کارگران به علت شرکت در واکنش صنفی، اخراج، تبعید یا از کار معلق شده اند.

نگاهی به این گزارش

در این تحقیق، بررسی نقض حقوق در دو سطح انجام شده است، در سطح قوانین و در سطح اجرایی. در خیلی از کشورها قوانین فعلی ناکارآمد است، در بسیاری دیگر قوانین موجود در عمل اجرا نمی شوند و در برخی دیگر مانند ایران هر دو مورد به چشم می خورد. از طرفی، این سازمان معتقد است بین سطح پیشرفت اقتصادی و توسعه یافتگی کشورها و میزان رعایت حقوق صنفی در آنها، هیچ رابطه مستقیمی وجود ندارد. برای نمونه کشور قطر را مثال میزند و همچنین از برخی کشورهای اروپایی نام می برد که در آنها، اتحادیه های زرد نماینده دولتها و یا کارفرماها هستند و در عمل، چیزی به نام استقلال فعالیت صنفی و سازمانیافتگی واقعی کارگران وجود ندارد.

97 شاخص که به عنوان ابزارهای رتبه بندی و مقایسه در این گزارش به کار رفته اند، یا بر آمده از کنوانسیون های سازمان جهانی کار (ILO) هستند یا از اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر استخراج شده اند. این شاخص ها مربوط به حقوق پایه ای کارگران از جمله حق مذاکره و چانه زنی جمعی، حق ایجادسندیکاها وسازمان های سراسری، حق فعالیت درسندیکا ها و حق اعتصاب و اعتراض هستند. درعین حال بیشترین تخلفات دولتها در سطح جهان مربوط به برخورد پلیسی وامنتی با کارگرانی است که در اعتصابات صنفی شرکت کرده اند. در این رده بندی، دانمارک تنها کشوری است که در رده صفر ایستاده و همه این 97 شاخص در آن رعایت می شود.

کشورهای جهان در 6 گروه دسته بندی شده اند:

گروه 1: 18 کشور که به طور موردی و به ندرت حقوق کارگران در آنها نقض می شود شامل اروگوئه. گروه 2: 26 کشور که نقض حقوق در آنها تکرار می شود شامل ژاپن و سوییس. گروه 3: 33 کشور که عموماً و مرتب حقوق کارگران در آنها نقض می شود شامل شیلی و غنا. گروه 4: 30 کشور که به طور سیستماتیک حقوق کارگران نقض می شود شامل کنیا. گروه 5: 24 کشور که در آنها هیچ تضمینی برای رعایت حقوق کارگران نیست شامل بنگلادش و قطر. گروه 6: 8 کشور که در آنها قانون کار اصلاً وجود ندارد شامل آفریقای مرکزی و سومالی.

جایگاه ایران در این دسته بندی کجاست؟

ITUC هیچ عضو یا نماینده سازمانی در ایران ندارد در حالیکه برای مثال در ترکیه چهار اتحادیه سراسری شامل همه دستمزدبگیران این کشور، یعنی پزشکان، معلمان، کارگران و ... عضو ITUC هستند.

در گزارش آمده است بسیار محتمل است که خیلی از موارد نقض حقوق به اطلاع ما نرسیده باشد و در نتیجه داده های ما درباره ایران دقیق نیست. اما به

هر صورت، ایران در این گزارش جزء کشورهای گروه 4 است. یعنی کشورهایایی که به طور سیستماتیک و از جانب دولت و بدنه حاکمیت، حقوق کارگران و فعالان سندیکایی در آنها نقض می شود. در کشورهای این گروه، نقض حقوق صنفی و سرکوب کارگران، به صورت نهادینه شده از فراز سر کارفرمایان و از جانب نهادهای سیاسی و امنیتی انجام می شود.

در این گزارش، در مورد ایران می خوانیم:

مهمترین مورد نقض آشکار حقوق کارگران در ایران این است که ایجاد یک سندیکای مستقل یا فدراسیون سراسری توسط قانون موجود و سیستم حاکمیتی فعلی منع شده است. سازماندهی صنفی فقط به صورت جداگانه در اصناف مختلف و بسیار محدود، ممکن می باشد. تنها سازمان کارگری در سطح ملی خانه کارگر است که هیچ مشروعیت صنفی ندارد، چرا که توسط دولت و کارفرماها تاسیس شده و نماینده واقعی کارگران نیست.

حتا در مورد حق چانه زنی و انعقاد پیمان های جمعی کارگران با کارفرمایان، حقوق کارگران نقض شده است. برطبق ماده 141 قانون کار جمهوری اسلامی، نتایج این پیمانها باید به تصویب وزارت کار برسد. (ماده 141: پیمانهای دسته جمعی کار هنگامی اعتبار قانونی و قابلیت اجرایی خواهند داشت که: الف - مزایایی کمتر از آنچه در قانون کار پیش بینی گردیده است در آن تعیین نشده باشد. ب - با قوانین و مقررات جاری کشور و تصمیمات و مصوبات قانونی دولت مغایر نباشد. ج - عدم تعارض موضوع یا موضوعات پیمان با بندهای الف و ب، به تایید وزارت کار و امور اجتماعی برسد) اما علاوه بر خلاهای قانونی فوق، این گزارش موارد بسیاری را ذکر کرده که در عمل، حقوقی که در قانون به رسمیت شناخته شده توسط دولت و نهادهای امنیتی زیر پا گذاشته می شود: 1- زندانی شدن اعضای جنبش کارگری و فعالان صنفی از جمله رسول بدایق، شاهرخ زمانی و رضا شهابی. 2- یورش پلیس به اجتماعات آرام قانونی مانند مراسم امسال روز جهانی

کارگر. 3- تهدید و بازداشت روزنامه نگاران. 4- برخورد امنیتی با کانون صنفی معلمان در سالهای گذشته. 5- و در نهایت محدود کردن سندیکاها با ابزارهای فشار، تهدید و اخراج اعضا.

نتایج این گزارش حداقل در مورد ایران دقیق و قابل اطمینان نیست. تا زمانی که یک فدراسیون یا اتحادیه سراسری شامل کارکنان همه اصناف در ایران پا نگیرد، هیچ اطلاعات دقیقی در هیچ کجا ثبت نخواهد شد. سازمانهایی که نماینده همه دستمزدبگیران هستند مستقل از احزاب سیاسی و دولت ها کار می کنند، سالهاست که در بیشتر کشورهای جهان، از جمله در کشورهای منطقه وجود دارند و فعالیت می کنند. اما شکل نگرفتن آنها در ایران، هم به دلیل موانع قانونی است هم به علت برخوردهای امنیتی فراقانونی است و هم ریشه در نگاه غیرهمگرایانه، ایدئولوژیک، سلبی و دفاعی برخی از فعالان صنفی دارد.

با پا گرفتن یک همبستگی حداقلی بر سر مطالبات مشترک، میلیونها نفر می توانند با هم یا حداقل در کنار هم برای افزایش دستمزدها، برای شرایط شایسته شغلی، برای آینده ای روشن تر و حتی قوانین مترقی تر بجنگند و این همان اتحادی است که از آن می ترسند، بسیار واهمه دارند و تلاش می کنند هر طور که ممکن است، با اعمال فشار، با بازداشت فعالان و با پاشاندن بذر تفرقه و بدبینی، مانعش شوند.



کارگرفلز کارساکن شهر جدید پرند :

من ساکن مجموعه ساختمانی کوزو شهرک آفتاب فاز 5 هستم. از اسفند 90 که تحویل ساختمان شروع شد تا کنون که 33 ماه است ساکن انجامیم، نه مدرسه دارد و نه درمانگاه و حتا مطب یک پزشک هم نیست، تا چه برسد به بانک. ساختمان هایی که تحویل دادند ضعف های زیادی داشت که در طی این سه سال تلاش شده توسط ساکنین مشکلات حل شود. البته تا مدت یکسال شرکت کوزو دفتر تاسیساتی داشت و در مورد ضعف ها پاسخگو بود. بعد از یکسال دفتر تعطیل شد و رفتند فاز 6. در حالی که بخش زیادی از مشکلات همانطور باقی مانده است، مانند فضای سبز چاههای تخلیه کف کش ها که مخازن آبهاست که به منهل راه نیافته. پست بلوک B 19 یک خاکدانی و زباله دانی است که درست نشده و چندین مورد این گونه وجود دارد. اینها تازه مال بهترین و مدرن ترین مسکن مهر، پروژه کوزومی باشد، که به اصطلاح اشرافی است. فاز 6 بیش از 2 سال است تحویل ساختمان هایش به تاخیر افتاده و شرکت کوزو به گردن شرکت عمران پرند می اندازد و عمران به گردن شرکت ها. این موضوع منجر به گران شدن مصالح ساختمانی در طی اسن سالها شده است. از واجدین شرایط که در سال 90 برای دریافت مسکن کوزو فاز 6 ثبت نام کرده بودند حالا 24 میلیون پول بیشتری خواهند یعنی 50 درصد گران کرده اند. در حال حاضر از مشکلات بلوک ما راه پله های بیرون بلوک مرتب ترک می خورد، کاشی حمام ها می ریزد، هواکش های حمام و توالت با باد شدید مرتب کنده می شود، شیب حمام ها عکس بوده که به شرکت کوزو گفته شده تا درست کند و کولرها خراب نصب شده. آسانسور هر هفته خراب است و پمپ های آب نیز زود به زود خراب می شوند. پمپ های آب و آسانسور بیشترین هزینه را برای ساکنین دارد. آسانسور برای سه طبقه بوده و توانایی حمل بار برای 15 طبقه را ندارد. بیش از 10 میلیون هزینه خرابی پمپ و آسانسور تاکنون بوده. تا زمانی که تحت اختیار شرکت کوزو و ترکیه ای ها بود که خرابی بسیار زیاد اتفاق می افتاد. ولی از وقتی که ایرانی ها برای رفع خرابی آمدند کمی بهتر شده ولی خرابی ها همچنان ادامه

دارد. درب آسانسور بسیار قدیمی است و قطعه هایش پیدا نمی شود و به همین دلیل خرابی زیاد است. آنطوری که یکی از متخصصین آسانسور عنوان کرده بسیاری از قطعات که می توانست نصب شود و از خرابی ها جلوگیری کند توسط شرکت ترکیه ای کوزو نصب نشده است.

چگونه اندوخته های کارگران درتامین اجتماعی خورده شد!

در آذر ماه ۹۲، کارگران اخبارتاراج اندوخته های خود را در تامین اجتماعی شنیدند. بخش کوتاهی از گزارش کمیته تحقیق و تفحص مجلس اشاره می کنیم: که، طی سال های ۸۸ تا ۹۲، در ۱۷۸ شرکت شستا، شرکتی که به سازمان تامین اجتماعی تعلق دارد، پنج عضو هیات مدیره پتروشیمی فناوران بین سال های ۸۸ تا ۹۱، مبلغ ۲۲۶۷ میلیون تومان، یعنی نفری تقریباً ۴۵۳ میلیون تومان پاداش گرفته اند. فقط دریافتی پاداش یک عضو هیات مدیره از اندوخته کارگران، تقریباً برابر با ۶۰ سال حقوق یک کارگر بود.

با این ریخت و پاش هاست که دفترچه های بیمه ما به کاغذ پاره ای تبدیل شده است. و تامین اجتماعی را ورشکست کرده اند. کارگران، هر ماه با پرداخت ۳۰ درصد از دستمزد ماهانه شان، خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی را "پیش خرید" کرده اند؛ و مطابق قانون سازمان تامین اجتماعی ملزم است "از صفر تا ۱۰۰ درصد خدمات درمانی مورد نیاز بیمه شدگان را بصورت رایگان تامین کند." یعنی باید بیمار به بیمه که مراجعه می کند هر بیماری داشته باشد مورد مداوا قرار بگیرد.

از قدیم گفته اند کلاهت را سفت بچسب ... برای این کار ما باید در مدیریت سازمان تامین اجتماعی مشارکت داشته باشیم و از اموال خود محافظت کنیم. با مدیریت کارگری می توان رایگان بودن خدمات بهداشتی را به کارگران عرضه نمود. این کار شدنی است فقط به تصمیم ما بستگی دارد.

سیزدهمین گنجره بین‌المللی کارگران حمل و نقل



راهپیمایی بزرگ رزمجویانه در شهر سانتیاگو، با شرکت تمام هیأت‌های نمایندگی و هزاران نفر از کارگران و جوانان، پایان سیزدهمین گنجره بین‌المللی کارگران ترابری در شهر سانتیاگو شیلی، بین روزهای 5-7 سپتامبر 2014 را نشان گذاشت. در دو روز کار گنجره، یک استراتژی برای تقویت جنبش کارگران حمل‌ونقل با جهت‌گیری طبقاتی و یک طرح برنامه عملی غنی برای مبارزه جهت دستیابی کارگران ترابری به حقوق خود تهیه گردید. در این گنجره، رهبری جدیدی انتخاب شد که شامل دبیرکل، ریکاردو ملدونادو از سی-او-ان-یو-تی-تی-اف-یو-تی-آسی شیلی (CONUTT-FUTAC) و رئیس اتحادیه علی‌رضا کوسیکو سومانقلو از ناکالیتا-آی-اس ترکیه بود.

گفتگو با رییس سندیکای زنان کارگر نساجی های بنگلادش

بایکوت نه، همبستگی آری!



جولی تالوکر که به «صدای زنان دوزنده بنگلادش» ملقب شده می گوید ۸۰ درصد کارگران نساجی بنگلادش را زنان تشکیل می‌دهند. این زنان با دریافت تقریباً ۲۰ سنت در ساعت بابت کار فشرده در شرایط نامناسب مشغول تولید پوشاکند. ...همانگونه که ساختمان فرو ریخته «رانا پلازا» در بنگلادش، با بیش از ۱۱۳۰ کشته و ۱۶۵۰ مجروح، به نماد استثمار نیروی کار ارزان کارگران نساجی ها، به ویژه زنان در آسیا، تبدیل شده، همانگونه نیز «جولی تالوکر»، فعال حقوق زنان و رییس سندیکای زنان کارگر نساجی های بنگلادش، به نماد مبارزه برای پرداخت حقوق آنان شهرت یافته است.

جولی تالوکر که به «صدای زنان دوزنده بنگلادش» ملقب شده، به دعوت انجمن زنان کوراژ شهر اسن آلمان به این کشور دعوت شد و فرصتی دست داد تا با وی در مورد وضع زنان و وعده‌های پس از فاجعه رانا پلازا از

سوی کنسرن های بزرگ پوشاک در غرب، پرسم.نخست از وی در باره انگیزه فعالیت‌های سندیکایی اش می پرسیم. جولی می‌گوید که در دوره دانشجویی در «اتحادیه دانشجویان» فعالیت داشته و در آنجا با «اندیشه های سوسیالیستی» آشنا شده و از سال ۲۰۰۵ بطور فعال وارد کار سندیکایی شده است. وی در پاسخ به این پرسش که پس از ۱۶ ماه از فاجعه فروریختن ساختمان رانا پلازا و توفانی از اعتراض ها و وعده ها، وضع بازماندگان حادثه چگونه است، می‌گوید هنوز هم شرکت های فروشنده پوشاک گران قیمت در این رابطه کاری نکرده اند. برخی از بازماندگان مجبورند در به در گدایی کنند. حتی کارگران بیمه شده ما نیز خسارتی دریافت نکرده اند. وی در رابطه با علت ابعاد حادثه «رانا پلازا» می‌گوید از پیش معلوم بود که ساختمان آسیب‌پذیر است، اما سیاستمداران محلی کارفرمایان محلی کارگران را، که اکثر آنان زنان بودند، مجبور به کار کردند. افزون بر آن، در ها بسته بود و راه فرار نداشتند. به همین خاطر معتقد است: آن‌ها در حادثه جان نباختند، بلکه به قتل رسیدند. به گزارش رسانه ها، گرد مولر، وزیر توسعه آلمان، اخیراً شرکت های بزرگ را فراخوانده تا برای بهبود شرایط کار کارگران نساجی، همراهی کنند. سخنگویان برخی شرکت ها گفته‌اند که آن‌ها دخالتی در کار مقاطعه کاران محلی ندارند. جولی تالوکر می‌گوید: آن‌ها دروغ می‌گویند. می‌توانند از دادن سفارش پوشاک به این کارخانه های محلی خودداری کرده و آن‌ها را تحت فشار قرار دهند. اگر بگویند که ما تولیدات شما را نمی‌خریم، آن‌ها مجبورند تن به رعایت پرداخت حقوق عادلانه بدهند. به گفته وی، ۸۰ درصد کارگران نساجی بنگلادش را زنان تشکیل می‌دهند. این زنان با دریافت تقریباً ۲۰ سنت در ساعت (600 تومان در ساعت و 4800 تومان یک روز و ماهیانه 144 هزار تومان) بابت کار فشرده در شرایط نامناسب مشغول تولید پوشاکند. گفتنی است که اخیراً یک گروه کار متشکل از سندیکاها و فروشگاه های زنجیره ای پوشاک، ۱۱۰۰ کارخانه تولید پوشاک را از نظر ایمنی ساختمان و وقوع حریق در بنگلادش مورد بررسی قرار داده اند؛ همه این محل های کار دارای ریسک های امنیتی می باشند. می‌پرسم نخست وزیر بنگلادش یک زن است و در پارلمان هم عده‌ای از زنان حضور

دارند؛ آن‌ها در این رابطه چه می‌کنند. می‌گوید: اغلب آنان از احزابی مانند عوامی لیگ هستند و کار چندانی نمی‌کنند. وی در باطه با نوع برخورد مصرف‌کنندگان در غرب می‌گوید: بایکوت نه، همبستگی آری! مثلاً جمع آوری کمک‌های مالی برای سازماندهی کار سندیکایی. به اعتقاد وی، کارکنان و فروشندگان شرکت‌های بزرگ پوشاک در غرب هم استثمار می‌شوند. آن‌ها تحت کنترل ویدیویی کار می‌کنند، مورد تعرضات جنسی و سکسیسم هستند. همچنین وجود مواد آسیب‌زای شیمیایی برای سلامت کارگران، کارمندان و خریداران هم در بنگلادش و هم در غرب خطر را هستند.

جولی تالوکر و دیگر فعالان سندیکایی، با زنان کارگر نساجی که اکثرشان در حاشیه شهر زندگی می‌کنند، پس از کار، ملاقات کرده و به آن‌ها می‌آموزند که چگونه برای دریافت حقوق عادلانه فعال شوند. وی می‌گوید که حق ندارد در کارخانه‌ها ظاهر شود، حتی مقابل در ورودی کارخانه‌ها. اگر با زنی در مقابل کارخانه سخن بگوید، آن‌ها مورد اذیت و آزار در محل کار قرار می‌گیرند و یا اخراج می‌شوند. گفتنی است که چندی پیش جولی تالوکر با گروهی از زنان کارگر به علت پرداخت نشدن سه ماه حقوق کارگران، دست به اعتصاب غذا زدند. پلیس وی و همراهانش را بازداشت کرد. اما با فشارهای بین‌المللی و به ویژه ترس از برپا شدن اعتراض و اعتصاب بین زنان کارگر دیگر کارخانه‌ها، مقامات مجبور به آزادی آنان شدند. صاحب کارخانه اکنون این محل را تعطیل کرده و جولی با همراهانش در حال مبارزه برای بازگشایی این کارخانه اند.

غروب روز یکشنبه ۱۹ اکتبر در شام خداحافظی با این زن آرام که مهربانانه لبخند می‌زند، اما هنگام سخنرانی آتشفشان می‌شود، خداحافظی می‌کنم. قرار می‌شود که اواز طریق شبکه‌های اجتماعی ما را نیز در جریان تازه‌ترین اخبار در رابطه با وضع زنان دوزنده بنگلادش قرار دهد.

از دوستی که نامش را نوشته برای ارسال این مصاحبه سپاسگزاریم

تحریریه پیام فلزکار

کارگران و زحمتکشان و سرمایه داران از منظر دولت

در فروردین‌ماه سال جاری شاخص بورس سقوط کرده بود ، در توافق دولت و مجلس قرار شد، ۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی به بورس تزریق شود. این بار نیز بنا به تصمیم وزیران و مدیران بانک‌های خصوصی، علاوه بر تزریق نقدینگی، به موضوع سهام شرکت‌های پتروشیمی و پالایش بورس رسیدگی شود. باید یادآور شد که، با مداخله دولت، شاخص سهام شرکت‌های پتروشیمی و پالایش، ایران‌خودرو، سایپا، بانک سینا و چند شرکت دیگر افزایش پیدا کرد و میزان [بالای] سود آن‌ها- یعنی در حقیقت منافع سهامداران و بورس‌بازان- تأمین شد

نگاهی به شرکت‌هایی که سهام آن‌ها افزایش و سوددهی داشته است حاکی از آن است که کانون‌های بانفوذ ثروت و قدرت ، بیش‌ازپیش سرمایه و ثروت اندوخته‌اند. درواقع، انباشت سرمایه به‌زیان حقوق مردم در مرحله کنونی است. به‌علاوه، افزایش سهام شرکت‌های خودروسازی نشانگر حضور برنامه‌ریزی‌شده بزرگ‌ترین شرکت‌های خودروسازی آمریکا و اروپا در بازار ایران و تملک بخش‌های عمده سهام شرکت‌های خودروسازی کشور است .

وعده دولت به زحمتکشان ایران اجرای قانون بود ولی در زمان تصویب حداقل حقوق 17 درصد کمتر از تورم بانک مرکزی ارزیابی و به تصویب رسید. در حقیقت با تصویب حقوق 600 هزارتومانی برای زحمتکشان و خانواده هایشان که 90 درصد جامعه اند و باید با حقوق 3 برابر زیر خط فقر زندگی کنند ، خانواده های کارگری مرگ محکوم به مرگ تدریجی شدند.

چرا 10 درصد جامعه که ثروتمندان هستند باید از عنایات دولت برخوردار باشند و 90 درصد جامعه که ثروت تولید می کنند به مرگ محکوم شوند؟

نابودی قانون کار و تامین اجتماعی ، الویت سرمایه داری

نعمت زاده، وزیر صنعت، با اشاره به قانون جدید تجارت ایران و لزوم مقررات‌زدایی، (یعنی نابودی قانون کار و بیمه) اعلام کرد: «برای عبور از رکود و رسیدن به اشتغال اصلاح مقررات دست و پا گیر از اهمیت برخوردار است و بازار کار کشور باید انعطاف داشته باشد.» معنای کارگری حرف‌های وزیر یعنی حذف هر قانونی که به نفع کارگران است و کارگران هم این مقررات را باید بپذیرند. این حرف‌ها خدمت به کارفرمایان و خصوصی سازی صنایع است. خبرگزاری ایلنا، ۶ تیرماه، در خصوص برنامه دولت گزارش داده بود: «در لایحه جدید حمایت از تولید و بهبود فضای کسب‌وکار، حقوق بنیادین نیروی کار و امنیت شغلی کارگران تضعیف می‌شود... کارگران آسان‌تر اخراج می‌شوند... درحالی‌که هنوز ساز و کار قانونی کافی برای تضمین حمایت‌های بیمه‌ای در کشور وجود ندارد، دولت در قالب لایحه جدید پیش‌بینی کرده «بخش خصوصی بتواند به‌منظور خروج سازمان تامین اجتماعی از انحصار، خدمات بیمه‌ای ارائه کند» یعنی سازمان تامین اجتماعی باید منحل شود و در عوض مدل آمریکایی بیمه در ایران جایگزین شود آن هم با شرکت‌های بیمه‌ای خارجی. نمونه اش نامه کارگران ریخته‌گری تراکتورسازی در همین شماره پیام سندیکاست.

روز ۲۱ مردادماه، محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت، ۵۰ درصد «بخشش و یا معافیت‌های مالیاتی» برای سرمایه‌گذاران خارجی را اعلام کرد. روز ۱ شهریورماه، نایب‌رییس خانه معدن گفت: «زمانی سرمایه‌گذاران در ایران حضور خواهند یافت که قوانین و مقررات به آن‌ها اجازه سرمایه‌گذاری ایمن را بدهد.» روز ۲ شهریورماه، با اعلام آمادگی سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی کشور، معاون وزیر نفت گفت: «ما باید برای جذب سرمایه، تمهیداتی بیندیشیم و خطرات و ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهیم.» حالا باید دید علاوه بر بخشش ۵۰ درصد از مالیات برای سرمایه‌گذاران خارجی، دولت چه

راهکارهای دیگری را برای جذب سرمایه خارجی می‌اندیشد. یکی از اولویت‌های دولت روحانی «گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی» بوده است. در این مناطق بخش‌های حمایتی قانون کار شامل حال کارگران شاغل در آن‌ها نمی‌شوند. گزارش ۲۸ تیرماه ایلنا: «در حال حاضر نزدیک به ۶۲ منطقه آزاد و ویژه اقتصادی» در کشور وجود دارد. ابراهیم رزاقی، استاد دانشگاه، ۲۱ مردادماه، گفت: «دولت در مناطق آزاد به دنبال ارزان‌سازی نیروی کار به نفع سرمایه‌گذاران است.» برای نشان دادن بهره‌کشی ظالمانه از کارگران شاغل در این مناطق، به گزارش ۵ مردادماه ایلنا باید اشاره کنیم. بعد از چندین تجمع اعتراضی کارگران شاغل در فازهای ۱ تا ۷ منطقه پارس جنوبی «برای دریافت» ۱۴ ماه مطالبات معوقه مزدی‌شان، در نهایت پیمانکار توافق کرد تا علاوه بر پرداخت ۲ ماه از معوقات مزدی، یک نسخه از قرارداد کار هر کارگر را نیز در اختیار وی قرار دهد. «مطابق قانون کار، قرارداد کار کارگران باید در سه نسخه تهیه شود و یک نسخه نیز در اختیار کارگر قرار بگیرد. این نخستین بار است که در منطقه ویژه، کارفرما متعهد شده است نسخه‌ای از قرارداد را به کارگران تحویل دهد.» در رابطه با نقض حقوق سندیکایی کارگران از سوی دولت خبرگزاری ایلنا، ۴ تیرماه، به نقل از سخنگوی اتحادیه کارگران قراردادی پتروشیمی بندر امام نوشت: «وقتی دولت روحانی سرکار آمد... فشارها بیشتر شد و مقابله با کارگران شکل جدی‌تری به خود گرفت... سازمان منطقه ویژه مدعی است با سخت‌گیری به کارگران می‌خواهد سرمایه‌گذار جذب کند.»

چرا دولت آقای روحانی اینقدر به سرمایه‌گذاران خارجی و کارفرمایان ایرانی اهمیت می‌دهد؟ چرا عملکرد یکساله به جای در نظر گرفتن 95 درصد مردم ایران، 5 درصد از کارفرمایان را در نظر دارد؟ این‌گونه فرمول‌های ضدکارگری در دیگر کشورها آزموده شده‌اند و نتیجه آن حاکم بودن بی‌قانونی مطلق برحق زحمتکشان و کاهش سطح دستمزدها و دلبخواهی کردن بیمه کارگران برای کارفرما است. و باید با دادن آگاهی در کنار مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی، با این سیاست به مقابله برخاست!

رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی:

تغییر شرایط بیمه کارگران ساختمانی با قانون اساسی مغایر است

«این طرح بیشتر بار مالی بیمه کارگران ساختمانی را بر عهده درآمد ناشی از مالیات بر ارزش افزوده گذاشته است، به گونه‌ای که کارفرمایان در عمل از پرداخت حق بیمه معاف شده‌اند.» رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی طرح «اصلاح ماده ۵ قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی» را با قانون اساسی مغایر دانست و از شورای نگهبان خواست با آن مخالفت کند. اکبر شوکت» در این باره به ایلنا گفت: بار مالی پیش بینی شده در این طرح که به طور مشترک بر عهده کارفرمایان و دولت گذاشته شده است، ابهام دارد. این فعال کارگری افزود: دولت برای درآمد ناشی از مالیات بر ارزش افزوده مصارف قابل توجهی پیش بینی کرده است و بیم جدی می‌رود از این بودجه سهمی برای بیمه کارگران ساختمانی باقی نماند. به گفته شوکت، این طرح به بیمه نشدن سایر کارگران ساختمانی منجر می‌شود، بنابراین با اصل ۲۹ قانون اساسی مغایر است. گفتنی است اصل ۲۹ قانون اساسی می‌گوید: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی‌درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند. او در ادامه از شورای نگهبان خواست این طرح را به مجلس بازگرداند چرا که سهم حق بیمه کارفرما - معادل ۱۲ درصد مجموع عوارض و درآمد تامینی ناشی از صدور پروانه ساختمان - مشخص نیست چه تعداد از کارگران ساختمانی را بیمه می‌کند. مبلغی که گفته شده با تاییدیه وزارت کشور از درآمد ناشی از مالیات بر ارزش افزوده برداشته شود نیز ابهام دارد، چرا که اگر وزارت کشور برداشت از این بودجه را تایید نکند، هیچ کارگری بیمه نخواهد شد.

همه راه ها به "رم" ختم می شود!

امروز شنبه 25 اکتبر(3 آبان) روز اقدام ملی در شهر "رم" کارگران ، زحمتکشان، دانشجویان ، بازنشستگان، فعالان اتحادیه های کارگری، احزاب چپ ، بخشی از حزب دمکرات ، حزب آزادی و محیط زیست ، فراتر از خواسته های صنفی ، ایتالیائی دیگر را در برنامه خود قرار دادند. 25 اکتبر روز اقدام ملی و گسترش حقوق به تمام کارگران و کارکنان تعلق دارد. اعتراض علیه هرج و مرج در سرمایه گذاری - کار برای جوانان، مادر بزرگ ها، پدر بزرگ ها. کار - برابری - شأن انسانی . شهر از دو سو ، میدان "ریوبلیکا" و میدان "آستینز" از ساعت 9 صبح زیر پای کارگران و زحمتکشان که از سراسر ایتالیا ، از جنوبی ترین نقطه شهر کاتانیا تا شمال شهر "تورینو" با 10 قطار ویژه ، 2500 اتوبوس و کشتی و 2 هواپیما خود را به "رم" رساندند. آنها به دعوت اتحادیه های خود پاسخ مثبت داده و اهداف سندیکائی خود را امروز پی می گیرند. میدانها و خیابانها مملو از جمعیت منتظر ساعت مقرر نمی شوند. به راه می افتند و در طول مسیر با حمل پلاکاردها ، نماد های سندیکائی و شعارهایی که در اعتراض به دولت ائتلافی " ماتئورنزی" از حزب دمکرات ایتالیا مشکلات عدیده ای پدید آورده است ، به دادن شعار ها و گفتگو با هم می پردازند. امروز صبح ، دولتمردان ایتالیائی صبحانه خود را با فریاد بیش 1000.000 کارگر و زحمتکش با مضمون سندیکایی و سیاسی میل نمودند. آنها در طول مسیر بارها همبستگی خود را نسبت به اهداف اتحادیه ایشان ابراز نموده و سرود "بلا چاتو" سرود پارتیزانهای ایتالیا را بر لب ها و جانها جاری کردند. شب گذشته در برنامه تلویزیونی از نخست وزیر " ماتئو رنزی" نسبت به اعتراض امروز پرسش شد و ایشان در پاسخ به تاریخ مبارزه CGIL فدراسیون سراسری کارگران ایتالیا و وجود دمکراسی اشاره کردند. کارگران متشکل همراه با

حامیان خود با صدای بلند از سیاست های جدید اقتصادی که باعث رکود اقتصادی شده است ، می گویند و خواهان تغییر در سیاست های اقتصادی می باشند. این معضل انچنان در زندگی مردم تاثیر گذاشته که "پاپ فرانچسکو" روز چهارشنبه در جمع کثیری از کارکنان دولتی گفت :هیچ خانواده ای نباید بیکار باشد. حضور بخشی از حزب دمکرات در اعتراض میلیونی امروز نشان از پدیدار شدن شکاف در این حزب می رود. آنها می گویند حضور ما امروز در میدان سن جووانی به فراخواندن دولت به گوش دادن و اصلاح دو اقدام در زمینه اقتصادی و مشاغل است. اتحادیه کارگران فلز کار FIOM با اشاره به اینکه ایتالیا یک کشور است نه دولت و این تظاهرات زیبا نشان می دهد که ما با ابتکار عمل لازم نسبت به تغییر مسائل اقتصادی و رضایت مردم از کشور برای زندگی و کار می توانیم ادامه دهیم .سوزانا کوموسو رهبر فدراسیون سراسری کارگران ایتالیا CGIL خطاب به دولت مائو رنزی گفت: «خوب گوش کن به اعتراضات کارگران در میدان سن جووانی. ما آماده یک اعتصاب عمومی هستیم.» کارگران نیروئی با خود دارند که می تواند تغییراتی ژرف بیافریند. کارگران و زحمتکشان این نیروی اصلی جامعه خواهان تغییر هستند. آنها تلاش می کنند فضاهایی فراتر از محل کار خویش را در اختیار خود در آورند. فراتر از حقوق صنفی به اشغال مکانهای مبادرت می ورزند که صاحبان سرمایه جز با اعزام پلیس و نیروهای امنیتی چهره خود را نشان می دهند. امروز پلیس آرام ، در حواشی میدانها و خیابانها از مسیر های منتهی به ساختمانهای اداری حکومت محافظت می کرد. سرتاسر روز دو هلیکوپتر نظامی برفراز سر یک میلیون معترض چرخ می زد و دوردور به انجام وظیفه مشغول بود. آنچه امروز کارگران و... با خود هنگام بازگشت به خانه هایشان بردند، تاثیر نیروی قدرت خویش را که در میدان سن جووانی به نمایش گذاشتند . دولت و قدرت نمی توانند نسبت به این

اتفاق , روز اقدام ملی , بی تفاوت بر خورد کنند . کما اینکه هنوز تظاهرات پایان نیافته بود اغلب دولت مردان حتی | ماتئو رنزی" نخست وزیر به حضور میلیونی کارگران و.... واکنش نشان دادند.

کاوه آهنگر - رم ایتالیا



آموزگاری که رسالت آموزگاریش را انجام داد !

یک معلم فداکار و دو دانش‌آموز دیگر در استان لرستان وقتی می‌خواستند یکی از دانش‌آموزان مدرسه عشایری که پایش آسیب دیده بود را به بیمارستانی در خرم‌آباد برسانند، در راه گرفتار سیل شده و هر چهار نفر کشته‌شدند. ۶ روز از حادثه گذشته است، نیروهای امدادی جسد هر سه دانش‌آموز را از گل و لای باقی مانده از سیلاب گرفته‌اند اما هنوز از جسد آقا معلم ۴۵ ساله که خود سه فرزند پسر داشت، خبری نیست.

دوستی در گوگل پلاس نوشته بود: آیا این خبر را قبلاً شنیده بودید؟ آیا فکر می‌کنید وزیر آموزش و پرورش تسلیت گفته است؟ آیا فکر می‌کنید اخبار سراسری آن را پوشش داده است؟ آیا گمان می‌کنید روزنامه‌ها خبرش را کار کرده‌اند؟ آیا اصلاً اهمیت دارد بدانیم که کاظم صفرزاده مدیر و معلم منطقه عشایری بوده است؟ آیا جالب است بدانیم او شاگردان بیمارش را در آن باران سوار ماشین می‌کند تا به درمانگاه برساند اما گرفتار سیلاب می‌شود؟ آیا می‌دانید فقط سپر و پلاک ماشین مرحوم صفرزاده پیدا شده است و جست‌وجو برای یافتن پیکر خودش هنوز ادامه دارد. آیا عمق این فاجعه برای پوشش خبری در سطح ملی مناسب نیست؟

منبع سایت حقوق کارگر و معلم

« ما می‌پرسیم آیا یک معلم عشایری با حقوقی 500 هزار تومانی اصلاً چرا باید جایی در رسانه‌ها داشته باشد؟ اگر او چند هزارمیلیاردی اختلاس می‌کرد شاید با اختصار ک.ص از او نامی می‌بردیم و وزیر هم مصاحبه‌ای در مورد او می‌کرد.»

تحریریه پیام سندیکا

پولی شدن مدارس و مشکلات پیش روی مدارس دولتی

ملاشیه، نامی آشنا از مناطق حاشیه اهواز است. با وجود گذشت بیش از یکماه از شروع سال تحصیلی هنوز مدارس آن با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کنند. این مدارس چه از نظر وضعیت ظاهری و بهداشتی و چه از نظر ساختار درونی و تامین نیروی انسانی دچار مشکل هستند. بدلیل کمبود مدرسه دانش آموزان مجبورند، مسافتهای طولانی را جهت رفت به مدارس طی کنند. علاوه بر مسافتهای طولانی که از وقت و انرژی دانش آموزان می گیرد، هزینه هایی نیز برای خانواده ها دارد. مدارس این منطقه از نظر وضعیت امکانات اولیه نظیر سرویس های بهداشتی و آبخوری و میز و نیمکت و... دچار نواقص آشکار هستند. مدرسه ولی عصر هنوز با گذشت بیش از یکماه از سال تحصیلی هنوز معلمی برای کلاس ششم ابتدایی ندارند. با توجه به گرمای هوا تا دو ماه اول بازگشایی مدارس در خوزستان، این مدارس از سیستم تهویه مناسب برخوردار نیستند.

«وقتی قرار است دولت دستورات صندوق بین المللی پول را اجرا کند و با پشت کردن به قانون اساسی مملکت رایگان بودن تحصیل را رعایت نکند، باید وزیر آموزش و پرورش نگران مدرسه ولی عصر نباشد و تمام فکرش این باشد که چگونه می توان مدارس دولتی را برچید و بجایش مدارس پولی گذاشت. بچه های کارگران به چه دردشان می خورد که تحصیل کنند، آنها باید مانند پدران و مادرانشان در کارخانه ها جان خود را بفروشند، احتیاجی به مدرسه ندارند تا آموزگار و سیستم تهویه هم برای شان گذاشته بشود. علی اصغر فانی باید مواظب باشد تا فرزندان وکلای مجلس و وزرا همه چیزشان تامین باشد وگرنه در مجلس استیضاح خواهد شد.»

تحریریه پیام سندیکا

نماینده به اصطلاح کارگران در مجلس چه می کند؟

با توجه به طرح اصلاح قانون کار در مجلس و اعتراض کارگران و سندیکا‌های کارگری و همچنین تشکل های دولتی مانند خانه کارگر ، دبیرکل خانه کارگر آقای محبوب نگرانش نه تنها قانون کار نیست بلکه به دنبال اعتراض به سگ گردانی و میمون بازی است. به این خبر توجه کنیم: « 24 نماینده طرحی به مجلس شورای اسلامی ایران ارایه کردند که در صورت تصویب، «گرداندن» سگ و میمون در اماکن عمومی و «انظار» و معامله و نگهداری این حیوانات در خانه، مجازاتی چون ۷۴ ضربه شلاق و جریمه نقدی از یک تا ده میلیون تومان خواهد داشت. این طرح که با عنوان «الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی» توسط نمایندگانی چون الیاس نادران، اسماعیل کوثری، علیرضا مرنندی، احمد سالک، علیرضا محبوب، فاطمه آلیا، نادر قاضی پور، حسن کامران و نیره اخوان ارایه شده، در جلسه علنی چهارم آبان ماه جاری مجلس اعلام وصول شده است « آیا سگ بازی و میمون بازی مشکل جامعه کارگری است یا نابودی قانون کار ؟ البته از محبوب بیش از این نباید توقع داشت چون او هم مانند عضو هیات مدیره خانه کارگر آقای ربیعی قرار نیست برای کارگران تلاشی کنند چون ثروت و قدرت نه در بین کارگران بلکه در طبقه سرمایه داری است. آیا محبوب و ربیعی که خود را کارگر می داند ، نباید به دنبال طرحی باشند تا کارفرمایانی را که حقوق کارگران را با تاخیر می دهند به شلاق و حبس محکوم شوند؟ کدام یک کار این نماینده بی اهمیت کارگری است ؟ شما قضاوت کنید.

آنانی که به طبقه خود پشت می کنند و به آغوش سرمایه داری می دوند فقط غم جیب خود را دارند و نه هیچ چیز دیگر.

هیات تحریریه پیام سندیکا

اعتراض اتحادیه نیروی کار پروژه ای

با ابلاغ دستورالعمل وزارت نفت طرح شد:

اعتراض کارگران پروژه‌های عسلیویه به محرومیت از حق بهره‌وری

ابلاغ دستوری برای پرداخت پاداش بهره‌وری کارکنان شاغل در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، که در آن هیچ سهمی برای کارگرانی که بصورت پیمانکاری در پروژه‌های در دست احداث منطقه پارس جنوبی مشغول کار هستند، در نظر گرفته نشده است. این دستور که از سوی «بیژن نامدار زنگنه»، وزیر نفت در خصوص پرداخت یک ماه فوق‌العاده حقوق به معاونان وزیر نفت و مدیران عامل شرکت‌های ملی نفت و گاز، صنایع پتروشیمی و پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران صادر شده است. براساس این دستور، وزیر نفت به معاونان خود که همزمان مدیرعامل شرکت‌های نامبرده نیز هستند، شرایط پرداخت حق الزحمه بهره‌وری نیمه اول سال ۹۳ را ابلاغ کرده است. مطابق این دستور العمل، مبلغ پاداش تعیین شده با احتساب شاخص‌های همچون پایه حقوق، فوق‌العاده ویژه، کارگاهی، جذب، حق مقام، بدی اب و هوا و محرومیت از تسهیلات زندگی از ۷۵۰ هزار تومان تا ۳ میلیون تومان برای هریک از مشمولان متغییر خواهد بود. در این دستورالعمل در مورد نحوه تعیین پاداش بهره‌وری کارگران مشمول از سوی وزیر نفت آمده است: این پاداش در مورد هر کارگر مشمول با رعایت حداقل و حداکثرهای تعیین شده، از طریق محاسبه ۳۰ برابر دستمزد روزانه کار به علاوه فوق‌العاده‌های کارگاهی، کمک هزینه مسکن، عائله‌مندی، جیره نقدی و نوبت کاری به نسبت روزهای کارکرد ثبت شده در شش ماه سال ۹۳ محاسبه خواهد شد.

انتقاد به نحوه توزیع پاداش بهره‌وری

انتقاد کارگران به این دستور وزیر نفت، به نادیده گرفته شدن کارگرانی باز می‌گردد که به عنوان نیروی پروژه‌های در ساخت پروژه‌های نفت و گاز

منطقه پارس جنوبی مشارکت دارند، چرا که طبق این دستورالعمل وزیر نفت تنها دستور پرداخت پاداش بهره‌وری را به کارکنان متخصص صنعت نفت و گاز کشور صادر کرده است. کارگران معترض که از **اعضای اتحادیه نیروهای کار پروژه‌های ایران** در منطقه پارس جنوبی هستند، معتقدند هرچند دستور وزیر نفت بیان‌گر حمایت مالی از نیروی کار، در صنعت نفت ایران است اما این حمایت و قدردانی نباید تنها شامل گروه کوچکی از نیروهای کار وابسته به بهره‌برداری، یعنی کارکنان پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها شود. نیروهای کار پروژه‌های در حالی از دریافت پاداش بهره‌وری نیمه نخست سال ۹۳ محروم شده‌اند که این گروه از کارگران هم اکنون در فازهای ۱۷-۱۸ و ۱۵-۱۶ و ۱۲ پارس جنوبی به دلیل اولییتی که دولت برای آن قائل شده است، مشغول به کار هستند. هرچند نیروهای شاغل در احداث پروژه‌های در دست ساخت منطقه پارس جنوبی در استخراج ذخایر نفت و گاز خام نقشی ندارند اما بطور موثر با راه‌اندازی پروژه‌های در دست ساخت، این کارگران نقش موثری در گسترش صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی کشور خواهند داشت. کارگران پروژه‌های فازهای در دست احداث منطقه پارس جنوبی با چه دشواری زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری دست دوم و سوم مشغول به کار هستند و احتمال وقوع تاخیر طولانی مدت در روند محاسبه و پرداخت دستمزد ماهانه، پرداخت حق بیمه غیر واقعی و کمتر از دستمزد پرداخت شده، احتمال وقوع حوادث جدی کار به دلیل نبود نظارت بر تامین استانداردهای ایمنی و حفاظت فنی و بهداشت کار و محرومیت از دریافت مقرری بیمه بیکاری در صورت از دست دادن شغل، ساعات طولانی کار روزانه در هوای به شدت گرم و نامساعد منطقه و فقدان حداقل امکانات رفاهی، آسایشی و درمانی و محرومیت از برخی حقوق صنفی بنیادین به دلیل ویژه و آزاد بودن شرایط کار در منطقه از جمله مشکلاتی است که کارگران پروژه‌های فازهای در دست ساخت منطقه پارس جنوبی به صورت روزانه با آن مواجه هستند و بنابراین از مسوولان وزارت نفت انتظار می‌رود که حداقل در تخصیص پرداخت‌های انگیزشی سهم واقعی این گروه از کارگران را نیز در نظر بگیرند.

دست‌ها از تامین اجتماعی کوتاه

دومین برداشت غیر قانونی از حساب تامین اجتماعی در دولت یازدهم

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بار دیگر بصورت غیرقانونی از منابع و اعتبارات سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت مطالبات مزدی بازنشستگان صندوق فولاد استفاده کرده است. نخستین پرداخت مطالبات معوقه بازنشستگان صندوق فولاد از اعتبارات سازمان تامین اجتماعی در تابستان امسال اتفاق افتاد، آزمون وزیر کار به عنوان متولی صندوق های بیمه‌های اجتماعی درمانی و بازنشستگی، در مراسم افطاری تشکیل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی با مسئولان وزارت تعاون، کار با استدلال‌های «احساسی و اخلاقی» این اقدام غیر قانونی را توجیه کرد. و گفت: «در نهایت با مساعدت سازمان تامین اجتماعی توانستیم معادل دو ماه از مستمری این کارگران را تامین اعتبار کنیم، اما واقعیت این است که در ماه رمضان خود را شرمند این کارگران احساس می‌کنیم.» در شرایطی که سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت تعهدات بیمه‌ای و درمانی خود با مشکل کمبود اعتبار مالی مواجه است، دولت با برداشتهایی که بصورت خارج از قانون از منابع این سازمان انجام می‌دهد، مشکل مالی سازمان تامین اجتماعی را دوچندان می‌کند. هم‌اکنون سالهاست که بیمه‌شدگان شاغل و بازنشسته سازمان تامین اجتماعی به دلیل کافی نبودن منابع مالی این سازمان برای افزایش واقعی مستمری‌ها و استفاده از خدمات درمانی رایگان با مشکلات اساسی مواجه هستند، افزود: نتیجه این وضعیت افزایش کمتر از نرخ تورم واقعی مستمری‌ها، توقف قانون همسان‌سازی مستمری‌ها در مورد کارگران بازنشسته، تحمیل بیمه‌های مکمل درمانی به بیمه‌شدگان شاغل و بازنشسته بوده است. اگر واقعا دولت قصد پرداخت مطالبات بازنشستگان صندوق فولاد کشور را دارد چرا از موسسات مالی و اعتباری مانند بانک‌ها و بنیادهای اقتصادی وابسته به دولت اعتبارات مورد نظر را قرض نمی‌گیرد.

سعید مرتضوی متهم خیانت در امانت اندوخته های کارگران در تامین اجتماعی، با قرار کفالت دو میلیارد تومانی آزاد شد

سعید مرتضوی امروز هم در دادسرا حضور یافت؛ برای پاسخگویی به اتهاماتی همچون اختلاس، خیانت در امانت و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی. او در نهایت با قرار کفالت دو میلیارد تومانی آزاد شد و در جمع خبرنگاران درباره حقوق ۶۸ میلیون تومانی خود و پرداخت پول به ۱۰۰ نماینده مجلس خبر داد. او در جمع خبرنگاران از پرداخت پول به دست کم ۱۰۰ نماینده مجلس خبر داد. مرتضوی درباره اتهام دیگر خود مبنی بر دریافت حقوق ۶۸ میلیون تومانی هم، ضمن اعتراف به اینکه هیات امنای تامین اجتماعی چنین مصوبه ای داشته، گفت که وزیر کار دولت روحانی اجازه نداده این حقوق به مرتضوی پرداخت شود و او پولی نگرفته که بخواد بابت آن پاسخگو باشد.

هر روز می شنویم که تامین اجتماعی ورشکست شده است. در حالی که سازمان تامین اجتماعی کارگران مبلغ هزار میلیارد از دولت طلبکار است و بازم دولت برای پرداخت بدهی های خود به بازنشستگان فولاد از اندوخته های کارگران مایه می گذارد و در این برداشت ها وزیرکار با پرویی دخیل است. دزدی های مرتضوی با حقوق ماهیانه 68 میلیونی و دادن رشوه به 100 نمایندگان مجلس و انجمن های بی خاصیت کارگری، که به تازگی افشا شده نشان از عمق دزدی ها از پول کارگران است. در حالی که کارگران باید هر ماهه 30 درصد از حقوق خود را به بیمه بدهند از کمترین امکانات بهره مند هستند و باید برای هرکاری پول بدهند. فرزندان بیمارشان که به بیماری های سخت مانند انواع سرطان ها دچار گشته اند، باید بمیرند تا مرتضوی ها و نمایندگان خیانتکار با جیب های پر پول به دزدی های مرتضوی و خودشان سرپوش بگذارند. تنها چاره این است که سازمان تامین اجتماعی در اختیار کارگران قرارگیرد و با مدیریت کارگری اداره شود. تحریریه پیام سندیکا

پنج سال ایستادگی درس آموز کارگران صنایع الکتریکی مکزیک

نسرین هزاره مقدم

پس از تعطیلی یک کارخانه مادر صنایع الکتریکی در بخش دولتی مکزیک به دستور رئیس جمهور این کشور در یازدهم اکتبر 2009، 44000 کارگر بیکار شدند. پنج سال بعد از این بیکاری، هنوز بازگشت به کار و دریافت غرامت عادلانه، از مطالبات جدی کارگران مکزیک است. در طول این پنج سال، اتحادیه صنایع الکتریکی مکزیک (SME) تقریباً همه راهکارهای مبارزه سندیکایی را امتحان کرده است. ابتدا این اتحادیه به دادگاه شکایت کرد اما حکم نهایی دادگاه برای تصمیم گیرندگان اتحادیه اصلاً پذیرفتنی نبود: دولت حاضر به پرداخت خسارت تمام عیار و عادلانه به کارگران بیکار شده نبود. به جای پذیرش حکم دادگاه، اتحادیه یک راه سخت اما قابل تقدیر را انتخاب کرد: راه مقاومت مدنی، ایستادگی و پیگیری جدی مطالبات. در پنج سال گذشته، SME، با سازماندهی و متشکل کردن نیروها هر کاری که در توان داشت انجام داد. راهپیمایی‌ها و تظاهرات خیابانی برگزار کرد، با مقامات دولتی به مذاکره و چانه زنی پرداخت، اعتصاب غذا راه انداخت، کمپین‌های گسترده کارگری و مدنی با حضور دستمزدبگیران همه اصناف ترتیب داد، خلاصه هر راه ممکن را آزمود. بعد از پنج سال هنوز 15000 کارگر بیکار شده کارخانه تعطیل شده در یازدهم اکتبر 2009، در بطن مبارزه کارگری پابرجا ایستاده اند و از مطالباتشان دست نکشیده اند. همین ایستادگی توانسته هم در داخل کشور و هم در عرصه جهانی حمایت فعالان را جذب کند. در پانزدهم اکتبر امسال، با فراخوان SME هزاران فعال کارگری از سراسر کشور به معترضان در خیابانهای نیومکزیکو پیوستند. خواسته‌های این تظاهرات خیابانی اینطور عنوان شده بود: بازگشت به کار کارگران بیکار شده بعد از پنج سال مبارزه، مذاکره و افت و خیز، به رسمیت شناختن حقوق فردی و صنفی کارگران و اجرایی شده همه وعده‌های داده شده.

در فراخوان این تظاهرات، آمده بود: ” ما همچنان ایستاده ایم، به آینده چشم دوخته ایم و مقاومت می کنیم.“

روز پانزدهم اکتبر در خیابانهای نیومکزیکو یک پلاکارد بزرگ در دستان مارتین فلورز دبیر کل SME و باقی اعضای کمیته اجرایی اتحادیه به چشم می خورد. روی این پلاکارد نوشته شده بود: ” آنها چشم دیدن تولد و پا به عرصه گذاشتن ما را نداشتند، اما هرگز مرگ ما را هم نخواهند دید.“

وبسایت اتحادیه جهانی صنایع (IndustriALL) و

وبسایت اتحادیه صنایع الکتریکی مکزیکی (SME)

یادی از تاریخ

9 سال پیش در چنین روزی فعالیت و نشست های فعالین سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بیار نشست و اولین فراخوان از طرف جمعی از فعالان سندیکایی صادر شد. در این سالها بسیاری به ما پیوستند و بخشی به دلایلی از ما کناره گرفتند ، اما آنچه باقی ماند پرچم همیشه در اهتزاز سندیکای کارگران فلزکار مکانیک است.

بنام خدا

عده ای از فعالین صنف فلزکارمکانیک جهت بررسی احیا و بازگشایی سندیکای فلزکارمکانیک گرد هم آمده اند. بهمین جهت از کلیه کارگران صنف دعوت می شود به جهت تسریع در روند احیا و بازگشایی سندیکای فلزکارمکانیک پنجشنبه 3 آذرماه 84 در محل سندیکای خباز واقع در میدان حسن آباد کوچه خیام - پلاک 22- از ساعت 3 الی 5 بعد از ظهر حضور بهم رسانند.

جمعی از فعالین صنف فلزکارمکانیک

اعتراض به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی ضد کارگری



به ابتکار فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری WFTU، 11 مهرامسال، روز اعتراض علیه بیکاری نامیده شده بود. سندیکا‌های کارگری و فعالین در سراسر جهان در این روز در اعتراض به بیکاری و سیاست‌هایی که منجر به تشدید آن می‌شود، اعتراض‌های گسترده‌ای را سازمان داده و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند. کمیته روابط سندیکایی به عنوان همراه و همدوش جنبش سندیکایی موجود کارگران ایران، کوشیده به سهم خود صدای اعتراض کارگران و فعالین کارگری در این خصوص و در این روز اعتراض، همراه با خانواده بزرگ فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری باشد. آنچه در زیر به خوانندگان ارائه می‌شود، از سوی کمیته روابط سندیکایی ایران پیرامون معضل بیکاری و اعتراض علیه بیکاری تهیه شده و در اختیار فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری WFTU قرار گرفته است.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در سایه بحران سرمایه‌داری شاهد یورش هدفمند به حقوق، دستاوردهای تاریخی و منافع کارگران سراسر جهان بوده و هستیم. کارفرمایان و دولت‌های مختلف با بهره‌گیری از این بحران، امنیت شغلی و حقوق شناخته شده و بدیهی کارگران را مورد تهدید و دستبرد قرار داده‌اند. معضل بیکاری، ذات نظام سرمایه‌داری است. بیکاری مختص به یک کشور، یک قاره یا مجموعه‌ای از کشورهای معین نیست و نمی‌تواند باشد. همه جا اجرای برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی نولیبرالی و دیکته شده از سوی

نهادهای امپریالیستی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و اتحادیه اروپا نه تنها دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر و حقوق آن را مورد هدف قرار داده، بلکه به معضل بیکاری دامن زده و سبب گسترش آن گردیده است. وضعیت میهن ما ایران می‌تواند مثال مناسبی برای درک این موضوع و شناخت دقیق‌تر و بهتر از رابطه میان اجرای برنامه‌های ضد کارگری دیکته شده از سوی نهادهای سرمایه‌داری جهانی و بروز و تشدید معضل بیکاری باشد. بیکاری در ایران بیدامی‌کند. مطابق آمار رسمی که از سوی مرکز آمار کشورمان منتشر شده است، بیش از 23 درصد جوانان 15 تا 29 سال ایران بیکار هستند نرخ بیکاری در میان زنان (خصوصاً زنان کارگر) دو برابر مردان است. این آمار تاکید می‌کند: "18 درصد مردان بین 15 تا 30 سال و بیش از 41 درصد زنان در همین فاصله سنی (15 تا 30 سال) بیکار هستند".

مرکز آمار در سال گذشته با انتشار یک برآورد آماری اعلام داشت، طی 4 سال گذشته حداقل 1800 واحد و کارخانه تولیدی-صنعتی در ایران تعطیل و هزاران کارگر بیکار شده‌اند. بطور میانگین سالانه 530 واحد صنعتی از گردونه فعالیت و تولید خارج و کارگران شاغل در این مراکز به خیل عظیم بیکاران پیوسته‌اند. حسن روحانی در جریان اعلام سیاست‌های اقتصادی دولت خود درمرداد، ضمن تاکید بر اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اعتراف کرد: دوهزار واحد تولیدی در سال‌های گذشته تعطیل و 500 هزار نفر از کارگران بیکار شده‌اند. بروز و تشدید بیکاری در درجه نخست نتیجه سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی و سمت‌گیری بر پایه دستورات نهادهای سرمایه‌داری جهانی بویژه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قرار دارد. دولت‌های مختلف طی سالیان اخیر در واقع مجریان برنامه‌های اقتصادی و فرامین نهادهای امپریالیستی بوده‌اند. نمونه روشن آن اجرای برنامه آزاد سازی اقتصادی تحت عنوان "هدفمندی یارانه‌ها" به دستور بانک جهانی توسط دولت قبلی و ادامه آن در دولت کنونی، است. مطابق این برنامه که قبلاً در کشورهایی چون آرژانتین، شیلی، ترکیه اجرا شده و فاجعه آفریده است، یارانه‌ها از جمله یارانه مواد غذایی و مسکن و سوخت و تولید برای پیوستن

به سازمان تجارت جهانی حذف می‌شود. به‌علاوه دستمزدهای کارگران و زحمتکشان و قوانین کار و تامین اجتماعی نیز در راستای سیاست جلب و جذب سرمایه خارجی به ضدکارگران اصلاح و تغییر می‌یابد. با برنامه‌هایی چون خصوصی سازی صنایع، بویژه صنایع کلیدی و پرسود، نابودی قانون کار، به نام "انعطاف در بازار کار"، برای شرکت‌های خصوصی و سرمایه داری خارجی نیروی کار ارزان و مطیع، فراهم می‌شود. برنامه خصوصی سازی به موج گسترده بیکاری، کارگران رشته صنعت در ایران منجر شده است. شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که به بخش خصوصی، و در اغلب موارد براساس روابط نه ضوابط حقوقی مشخص، واگذار می‌شود، همه بدون اشتناء دست به تعدیل نیروی کار یعنی کاهش شمار کارگران و کارکنان زده‌اند. در صنایع نفت، صنایع نساجی و فولاد سازی و آلومینیوم این امر با وسعت و شدت انجام گرفته و به منافع طبقه کارگر ایران آسیب‌های جدی وارد ساخته است. رواج قراردادهای موقت به دنبال تشدید بیکاری به عاملی ویرانگر در زندگی کارگران و زحمتکشان ایران بدل شده است. با رشد و گسترش بیکاری و تحت حمایت دولت، کارفرمایان فقط با قراردادهای موقت کارگران را استخدام می‌کنند.

مطابق آمار رسمی بیش از 90 درصد کارگران ایران با قراردادهای موقت و سپید امضاء، یعنی قراردادهایی که کارگران با زور فقط زیر صفحه را امضاء کرده و کارفرمایان متن و محتوای آن را بعداً به دلخواه تعیین می‌کنند، مشغول بکارند. قراردادهای موقت در عین حال اهرمی از سوی کارفرمایان برای فشار به کارگران و پایمال شدن حقوق سندیکایی، آنان است. درحالی که کارگران ایران از حق اعتصاب محروم هستند و حقوق سندیکایی آنان رعایت نمی‌شود. بیکاری به تشدید استثمار کارگران انجامیده است. طبق آماري که در مطبوعات انتشار یافته: "بطور کلی بیش از 41 درصد شاغلان 15 سال به بالا در تابستان امسال بیش از 44 ساعت در هفته و بالغ بر 49 ساعت و بیشتر کار کرده و گرایش بازار کار به اضافه کاری است. زنان بویژه زنان کارگر 23 درصد کمتر از مردان در کارهای مشابه حقوق دریافت می‌کنند...."

بیکاری سبب شده زنان کارگر با دستمزدهای پایین‌تر مشغول به کار شوند. "همچنین در اغلب موارد دستمزد پایین و مزد اضافه کاری با تاخیر چند ماه، و اغلب بیش از شش ماه، به کارگران پرداخت می‌شود. پدیده حقوق‌های معوقه در ایران به امری رایج و بلای جان میلیون‌ها کارگر بدل گردیده. فقط طی سه ماه اخیر ده‌ها اعتراض برای دریافت حقوق‌های معوقه در صنایع ذوب آهن، نفت، منطقه گازی پارس جنوبی، عسلویه، و معادن سنگ آهن ایران رخ داده است. پدیده حقوق‌های معوقه در ارتباط با رشد بیکاری قرار دارد. این در حالی است که کارگران ایران از حقوق سندیکایی خود محروم بوده و امکان برپایی سندیکا‌های کارگری، آنگونه که در منشور حقوق سندیکایی و مقاله‌نامه‌های 87 و 98 سازمان جهانی کار قید شده است، را ندارند. حکم شش ماه حبس و پنجاه ضربه شلاق برای کارگران پتروشیمی رازی با اتهامات ساختگی «اخلال در نظم، توهین و تهدید»، نمونه تازه‌ای از نقض خشن حقوق سندیکایی کارگران ایران است.

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران که از اولین قربانیان تحریم‌های مداخله جویانه امپریالیستی به شمار می‌روند، اینک نیز با توجه به سیاست‌های دولت و مجموعه حاکمیت زندگی، منافع و امنیت شغلی‌شان با ورود انحصارات امپریالیستی به بازار پرسود ایران نابود و پایمال می‌شود. تحریم‌های مداخله جویانه امپریالیستی اقتصاد ملی و تولید میهن ما را هدف قرار داد، و فقط به سود و منافع لایه‌های انگلی سرمایه‌داری ایران بود. اکنون براساس برنامه‌های دولت، برای جلب و جذب شرکت‌های امریکایی، اروپایی و ژاپنی، قوانین کار برضدکارگران، اصلاح شده و نیروی کار ارزان و مطیع مهیا می‌شود. بیکاری به تضعیف بیش از پیش جنبش سندیکایی موجود کارگران ایران انجامیده و باید تاکید کنیم با اجرای برنامه‌های کنونی اقتصادی-اجتماعی، کارگران ایران بیش از گذشته به ورطه فقر رانده خواهند شد.

برای مبارزه با پدیده بیکاری، جنبش سندیکایی موجود و سندیکا‌های کارگری مستقل و واقعی ایران به درستی علیه برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی دیکته

شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که توسط دولت اجراء می‌شود مبارزه می‌کنند؛ و در پیوند با آن در راه احیای حقوق سندیکایی با استفاده از همه امکانات و روزنه‌ها پیکار می‌کنند. مبارزه با معضل بیکاری جدای از مبارزه علیه سیاست‌های اقتصادی ضد کارگری نیست و نمی‌تواند باشد. اکنون جنبش اعتراضی گسترده اما سازمان نیافته‌ای در ایران از سوی کارگران و زحمتکشان وجود دارد که نیازمند ارتقاء سطح سازماندهی و همبستگی است. در این راه به حمایت برادران و خواهران خود در سراسر جهان، بویژه خانواده بزرگ و پُرافتخار فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری نیازمند است. چنانکه آشکار است، در میهن ما ایران، عامل بیکاری و تشدید آن، نتیجه برنامه‌هایی است که نهادهای سرمایه‌داری جهانی به دولت‌ها دیکته می‌کنند. در اروپا تحت نام ریاضت اقتصادی و در ایران و کشورهای مشابه به نام مقررات زدایی و اصلاح ساختار اقتصادی! اما همه این نام‌ها از محتوی یکسان، همسو و مشابه برخوردارند، و لبه تیز آنها متوجه زندگی و امنیت شغلی کارگران است.

در پایان باردیگر از اینکه فرصت تبادل نظر به ما داده شده، مراتب تشکر خودمان را اعلام می‌کنیم. ما ضمن حمایت از ابتکار مهم روز اعتراض و حضور فعال در آن، در همبستگی با خانواده پرافتخار فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری تاکید می‌کنیم، مبارزه ما، هدف‌های ما و آرمان‌های ما مشترک است.

زنده باد طبقه کارگر قهرمان ایران!

درود بر سندیکا‌های مستقل و فعالان شجاع و آگاه سندیکایی ایران!

پیروز باد مبارزه کارگران ایران در راه احیای حقوق سندیکایی!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

زنده باد فدراسیون جهانی سندیکا‌های کارگری!

برگی از قانون

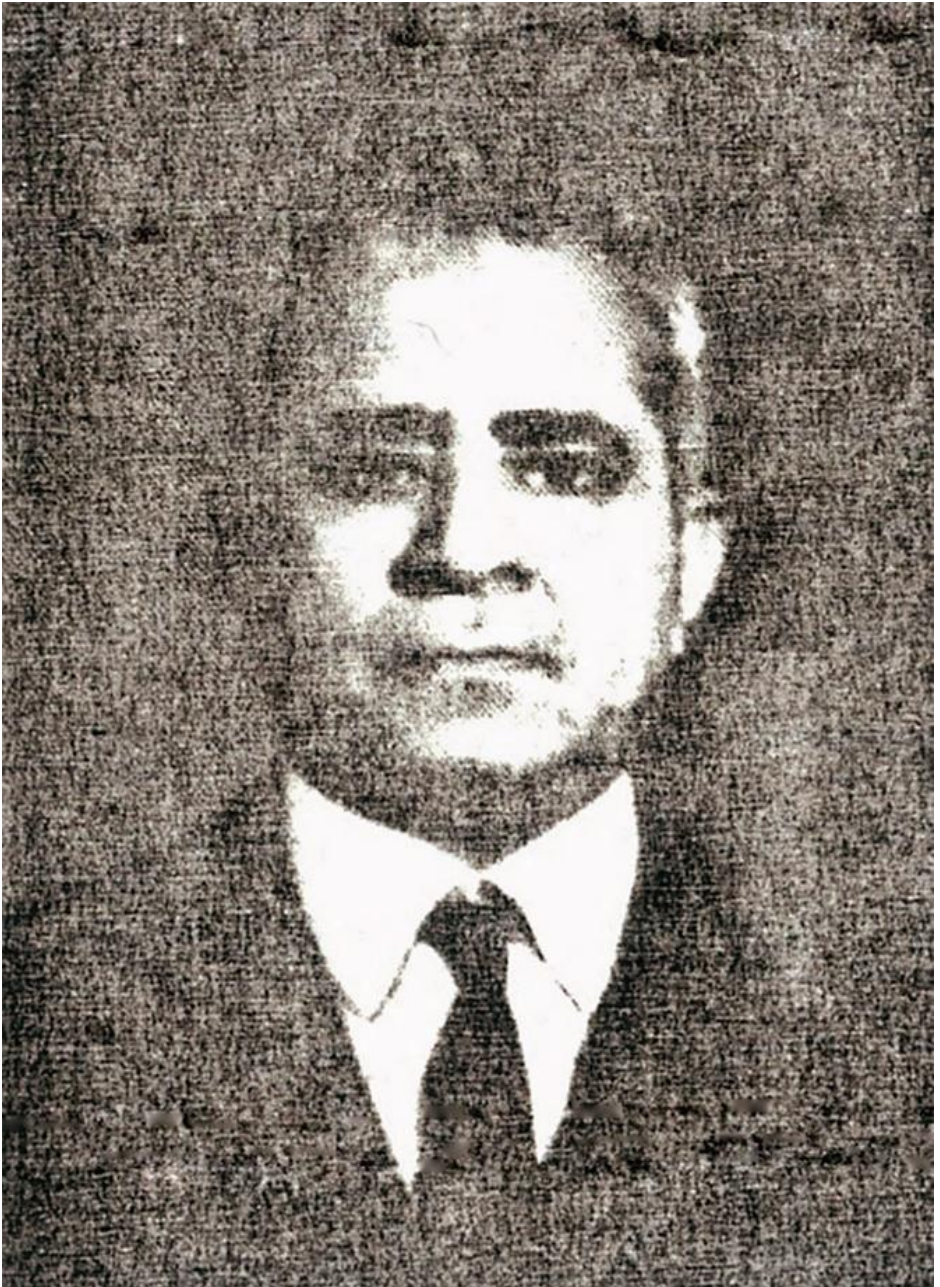
وقتی قراره قانون کار عوض و یا اصلاح بشه، باید اصلاح قانون به نفع کارگران تمام بشه. چرا که گفته می شه اصلاح نه تخریب. قانون کار یک قانون حمایت کننده از کارگر هست. نان کارگر در دست کارفرماست و کارفرما از پلیس، دادگستری و مابقی چیزها به نفع خودش و علیه کارگر همیشه استفاده کرده. در یک برنامه تلویزیونی حتی 4 موافق نابودی قانون کار و یک نفر مخالف را می‌آرند، یعنی اینکه اینجا هم کارفرما جلوتر از کارگر هست. 4 نماینده موافق نابودی قانون کار، از هزینه های کارگری کارخانجات بدلیل دستمزد کارگران صحبت کردن، اما نگفتن که مواد خام را دلالتان گران به کارخانه دارها می رسونن و این مهمترین دلیل افزایش هزینه های کارخانه هاست. خب دولت این واسطه ها را حذف کنه تا هزینه تولید برای کارخانه دار کم بشه. کارفرمای بزرگ که خود دولته، بیاد بگه در شرکت نفت، پتروشیمی ها، که محصولاتشون رو داره به خارج می فروشه و یک میلیون برابر هزینه کارگری را سود می کنه، چرا می ناله؟ مهمترین موضوع برای ما کارگران در مورد قانون کار اینه که باید طبق قانون اساسی نوشته بشه. نه اینکه اصل 29، 26، 43، 20 نادیده گرفته شه. رونق کسب و کار به معنی نابودی کارگر نباید باشه بلکه با تقویت نیروی کاره که کسب و کار رونق می گیره. اما خنده دار تر از همه این است که قانونی نوشته شود که 99 درصد مردم ایران را که زحمتکشان هستنن رو نادیده بگیره و یک درصد را، همکاره جان و مال مردم کنه. راستی از کدام کارگر خواسته شده که در مورد این اصلاح نظر بده. اعضای خانه کارگر که همه شون مخالف با این کار هستنند پس باکی صحبت شده؟ نکنه با دار و دسته رشوه بگیر مرتضوی مشورت شده؟ به هر حال هرکسی که خواهان نابودی خانواده های کارگریه اون بویی از انسانیت نبرده. حالا می خواد هر کی باشه. اگر این انقلاب رو ما پیروز کردیم و جنگ رو ما و بچه های ما به پیش بردند، آقایون بدونند که نمیذاریم قانون کار به نفع سرمایه دارها نوشته بشه. وسلام

منوچهر مصلح، مبارز استوار و فداکار جنبش کارگری سندیکایی

جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما قدمت یکصدساله و کارنامه‌ای درخشان از مبارزه و پایداری دارد. نخستین سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری همزمان با تحول‌های مربوط به انقلاب مشروطیت مبارزه خود را آغاز کردند. بر پایه اسناد معتبر تاریخی در سال‌های ۱۲۸۴ - ۱۲۸۶ خورشیدی شکل نوین و قوام یافته سندیکا‌های کارگری در ایران پدید شد. ویژگی این دوران تاریخی رشد آگاهی طبقاتی کارگران ایران و سیر تکاملی اتحادیه‌ها و سندیکا‌های کارگری در جامعه است. در ادامه این روند و با کوشش مبارزان مدافع طبقه کارگر در مناطق نفت خیز خوزستان که زیر سلطه استعمار انگلیس قرار داشت و شرکت نفت انگلیس در آن با ایجاد خفقان مانع از تشکل کارگران ایرانی می‌شد، نخستین سندیکا‌های کارگران نفت خوزستان در سال ۱۳۰۴ پایه‌گذاری گردید. با کوشش مبارزان طبقه کارگر در سال ۱۳۰۷ کنفرانس دوم اتحادیه‌های کارگری نفت جنوب بر پا شد و در آن کارگران و فعالین سندیکایی مجموعه خواسته‌هایی را طرح و سازماندهی یک اعتصاب را تدارک دیدند. از جمله خواسته‌های کارگران عبارت بود از: تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب و آمادگی برای اعتصاب در روز جهانی کارگر! عوامل امپریالیسم انگلیس در روزهای پیش از اعتصاب سال ۱۳۰۸ شبانه به خانه‌های کارگران یورش برده و ۹۳ فعال کارگری را با هدف جلوگیری از اعتصاب دستگیر و زندانی کردند. اما اتحادیه کارگری با فداکاری سندیکالیست‌های نسل اول جنبش توانست یک اعتصاب تاریخی و ماندگار را سازمان دهد. اعتصاب ۴ اردیبهشت ۱۳۰۸ یکی از بزرگترین اعتصاب‌های کارگری ایران و به لحاظ سیاسی - صنفی پر ارزش و اعتبار تاریخی است. این اعتصاب ۳ روز ادامه داشت و عوامل انگلیس در جریان آن ۳۰۰ نفر از کارگران را بازداشت کردند. گرچه اعتصاب با موفقیت پایان نیافت اما برای نخستین بار به طبقه کارگر سراسر ایران اهمیت نیروی متشکل و متحد را

نشان داد. چکیده این تجربه تاریخی را می توان در شعار "کارگر متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز" مشاهده کرد. به هر روی از دل این اعتصاب و مبارزه تاریخی مبارزان برجسته و نیز رهبر بزرگ و تاریخی کارگران ایران علی امید بیرون آمدند. این سنت توسط دیگر فعالان سندیکای نفت خوزستان تداوم یافت. منوچهر مصلح کارگر قهرمان یکی از این مبارزان صاحب نام جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران است. منوچهر مصلح در سال ۱۲۹۱ در آبادان متولد شد. او ۱۵ سال پیش نداشت که به عنوان کارگر به استخدام شرکت سابق نفت ایران و انگلیس در آمد. خیلی زود و در پرتو تجربه روزمره زندگی دشوار کارگری به آگاهی طبقاتی دست یافت و به صف مبارزه پیوست. او در همان نخستین سال‌های آغاز به کار در شرکت نفت با سندیکای کارگران نفت خوزستان همکاری کرد و به مثابه یکی از فعالین جوان مورد توجه سندیکالیست‌هایی چون علی امید بود. از علی امید و علی امیدها بسیار آموخت. پس از ضربات حکومت سیاه رضا خان این عامل رسوای امپریالیسم انگلیس به حزب‌ها و سندیکاهای کارگری، منوچهر مصلح در خفا و پنهانی یکی از سندیکالیست‌هایی بود که با وجود سن کم حلقه‌های از هم گسیخته فعالین کارگری را با هوشیاری، دقت و فداکاری حفظ و به هم متصل می ساخت. پس از سقوط رژیم دیکتاتوری رضا خان، بار دیگر فعالیت سندیکای کارگران نفت خوزستان احیا و تداوم یافت. در سال ۲۴ - ۱۳۲۳ خورشیدی به همت سندیکالیست‌هایی چون علی امید و منوچهر مصلح سندیکای کارگران نفت خوزستان از هر حیث رشد کرد و به شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران پیوست. فعالیت خستگی ناپذیر منوچهر مصلح در این سال‌ها گواه بر ایمان و وفاداری این فرزند آگاه زحمتکشان به امر دفاع از حقوق کارگران و استقلال ملی کشور است. او رسماً در سال های ۲۵ - ۱۳۲۴ از سوی شورای متحده مرکزی، کارگران نفت آبادان را نمایندگی می کرد. آگاهی طبقاتی، تسلط به موازین و اصول کار سندیکایی و تجربه‌های اندوخته شده از سالیان مبارزه، از او یک رهبر شایسته سندیکایی ساخته بود. اعتصاب بزرگ و پُر دامنه کارگران نفت در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ که پلیس رژیم شاهنشاهی آن را به خون کشید با هدایت و همکاری منوچهر

مصلح و یاران او سازماندهی شد. این اعتصاب نیز از مهم‌ترین رخ دادهای جنبش کارگری میهن ما محسوب می‌گردد. با یورش به شورای متحده مرکزی در سال‌های دهه ۲۰ خورشیدی، منوچهر مصلح از کار اخراج و مجبور به ترک زادگاه خود آبادان شد. در تمام طول سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد به دفعات به اتهام‌های واهی دستگیر و زندانی شد. او هرگز وظایف خود به عنوان یک سندیکالیست آگاه را فراموش نکرد و با تمام توان در این راه پیگیر بود. با پیروزی انقلاب مرحله نوینی از کار و مبارزه منوچهر مصلح آغاز شد. با شور فراوان و تجربیات ارزنده در خدمت جنبش سندیکایی کارگران قرار گرفت. او از سازمان‌گران سندیکاهای کارگری خوزستان بویژه کارگران نفت آبادان در سال‌های اول انقلاب بود. در سال ۱۳۵۹ منوچهر مصلح با درایت و هوشیاری زمینه‌های تشکیل انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری در آبادان را فراهم کرده بود. شکل‌گیری این تجمع نقش پر اهمیتی در راه تشکلیابی سندیکایی زحمتکشان در سال‌های نخست پیروزی انقلاب قلمداد می‌شد. اما واپس‌گرایان به خرابکاری و مانع‌تراشی در برابر این امر مهم مشغول بودند. جنگ و تجاوز نظامی صدام به کشور و پاکسازی‌های خونین و خشن تازه به قدرت رسیدگان در استان خوزستان، سبب شد بار دیگر آبادان را ترک کند. او همراه دیگر جنگ‌زدگان به اجبار در تهران ساکن شد. در دوران فعالیت انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری، مقاله‌هایی از منوچهر مصلح در نشریه کارگری اتحاد با امضاء یک کارگر قدیمی نفت چاپ می‌شد. او در این سال‌ها با دشواری‌های بسیار روبرو شد. تمام عمر او در تنگدستی گذشت، اما سربلند و استوار در سنگر سیاسی و سندیکایی طبقه کارگر ایران تا لحظه آخر عمر باقی ماند. منوچهر مصلح این سندیکالیست توانا و مجرب به سال ۱۳۶۳ در سن ۷۲ سالگی بر اثر سکته قلبی دور از زادگاه محبوبش (خوزستان) چشم از جهان فرو بست. او یکی از چهره‌های ارزنده و نمونه‌ای از فعالین سندیکایی مجرب، استوار و ثابت قدم به شمار می‌آید. نام، راه و یاد او جاودانه است.



منوچهر مصلح کارگر مبارز شورای متحده مر کزی زحمتکشان آبادان

مقام معظم رهبری
کارگران آشدروالاست که پیغمبر است او را بوسید.
آیا اخراج کارگران
برداشت مطالبات قانونی توسط پتر و شیمی ایلام
عمل به حدیث نبوی است ؟؟؟!

ILMA

Photo: Ilma

Iranian Labour